

**مرک بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما**

کد

**کارگران و زحمتکشان
متحد شوید**

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۹

((اکثریت))

شماره ۹۸ ۲۲ صفحه - ۳۰ ریال

امپریالیسم در تدارک تجاوزات جدید

علیه انقلاب ایران

• با تکرار خطاها انقلاب را پیش از این به مخاطره نیندازید

امپریالیسم امریکا حمله مستقیم به انقلاب ایران را تدارک می بیند و با تمام قوا در تلاش است تا نیروهای مورد حمایت خود را بر مسند قدرت بنشاند.

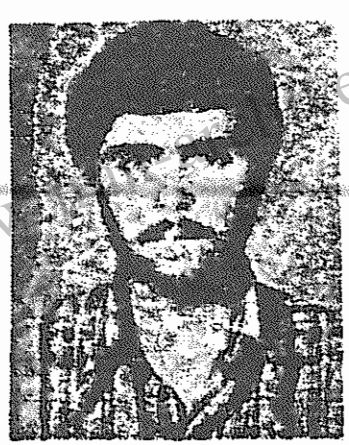
امپریالیسم امریکا به اقدامات نظامی تازه ای در سراسر جهان و به ویژه در منطقه خاورمیانه دست زده است. گزارش خبرگزاری ها حکایت از آن دارد که در هفته گذشته گروهی مرکب از ۲۷۵ تن از اعضای نیروهای واکنش سریع امریکا طی سفری به شیخ نشین عمان در مانور دهروزه ای شرکت کرده اند. این مانور که با

خبرگزاری فرانسه گزارش کرد که امریکا در هفته گذشته یکی از بزرگترین مانورهای خود در ۳۵ سال گذشته را در ایالت نبراسکا انجام داده است. در این مانور ۲۰ روزه حدود ۴۰۰ بمب افکن، ۸۰۰ هواپیما و ۱۰۰/۰۰۰ نفر نظامی از ۷۰ پایگاه شرکت داشته اند. همچنین قرار است ماه آینده مانور مشترکی از بقیه در صفحه ۲

شرکت واحدهای توپخانه تنگه هرمز انجام می گیرد، سلطان نشین عمان در نزدیکی قرار است کارائی سیستم های ارتباطی امریکا را به نمایش بگذارد. از طرف دیگر

شرکت در مذاکره صلح به سود خلقهای ایران و عراق است

نزدیک به پنج ماه از تجاوز نظامی رژیم مرتجع صدام می گذرد. این تجاوز جنایتکارانه که به ترغیب امپریالیسم امریکا و امپریالیستهای اروپایی آغاز شد، از روزهای نخست مورد حمایت امپریالیسم و همه رژیم های مرتجع منطقه به ویژه عربستان سعودی و اردن بوده است. خلق ما از نخستین لحظه تهاجم ارتش عراق به ایران،



فدایی خلق رفیق شهید
★ علیرضا خلیلی

۵ شهید فدائی

۵ لاله سرخ
سنگرهای مقاومت
در قلب بزرگ خلق
همیشه زنده اند

در صفحه ۱۸

حق بررسی نهائی فعالیت احزاب باید به مجلس واگذار شود

شوراهای قضائی ضوابط اینها را به صورت لایحه و چگونگی نهائیت جمعیتها، قانونی که باید به تصویب انجمنها و احزاب و نظایر مجلس شورای اسلامی برسد

هیئت نمایندگی ایران در
کنفرانس غیر متعهدها

• کنفرانس نشان داد که انقلاب ایران همچنان در سرتاسر جهان از پشتیبانی دوستان و متحدانش برخوردار است.

در صفحه ۱۲

در این شماره

• طرح اشتغال یگان در تونلی خلقی

• جنبش قضائی ایران

• کارگران بسوزسازی

• روستائیان کیسیر نواهان

• اتحاد زحمتکشان

• حرف های زحمتکشان

• چرا می گویم لایحه بازسازی و یکسازی

• به فتح انقلاب و جمهوری اسلامی نیست

• مردم ایران به حمایت جمهوری اسلامی از ضد انقلابون افغانستان اعتراض دارند

• رفیع را که کشد و گنج را که برد؟

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم در قدارک ...

طرف آمریکا و کره جنوبی انجام پذیرد. در کنار این نڈلرانیفات و مانورهای عظیم نظامی در چهارگوشه جهان، رفت و آمدهای مقامات سیاسی و نظامی و مستشاران ارتش آمریکا به کشورهای وابسته منطقه شدت گرفته است. در پی تلاشهای امپریالیستها برای تشکیل اتحاد نظامی جدید به سردمداری رژیم سرسپرده عربستان در منطقه خلیج فارس، اخیراً کنفرانسی با شرکت وزرای امور خارجه، ۶ کشور حوزه خلیج فارس یعنی عربستان، بحرین، قطر، عمان، کویت، امارات متحده عربی در ریاض تشکیل گردید و مسئله هماهنگ سازی و تشریح مساعی در امور نظامی ۶ کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

روزهای آینده مارگارت ناچر نخست وزیر انگلستان نیز از عربستان، عمان و امارات متحده عربی دیدار خواهد کرد.

دیدار رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا، سناتور جان تاور، نماینده جمهوریخواه تکزاسی از تل-آویو، قاهره، عربستان سعودی، عمان، کویت و ترکیه و ملاقات با مقامات بلندپایه نظامی و امنیتی این کشورها و دیدار وزیر امور خارجه عمان از آمریکا و استقبال گرم ریگان از او بیانگر توطئه چینیهای تازه امپریالیسم آمریکا در منطقه است.

با در نظر گرفتن این واقعیت که مرکز ثقل این اقدامات و مانورهای نظامی و تبادل نظرهای سیاسی، منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است، بسادگی می توان دریافت که نوک پیکان این تهدیدهای آمریکا متوجه انقلاب ایران و تاثیرات دامن گستر آن در این منطقه می باشد. محافل امپریالیستی و کارشناسان توطئه گر سیا و پنتاگون پس از به کار بستن همه ترفندها و دسیسه - چینیهای سیاسی و نظامی اکنون دریافته اند که به نیروهای افزون تری برای مقابله با توده های دست از جان شسته و انقلابی ایران نیازمندند. جنگ تجاوزگرانه دار و دسته خائن صدام که قرار بود بعنوان آخرین برگ

امپریالیسم کار خلق انقلابی ما را بسازد، جنگی که قرار بود ضد انقلاب متواری را به ایران صادر کرده و در زیر سایه نیروهای نظامی رژیم صدام بر آریکه قدرت بنشانند، اکنون در برابر سد مقاومت مردم ما متوقف گشته است. از این روست که اکنون با تدارک وسیع و همدانیه، با مانورهای گسترده نظامی، نیروهای تازه تری به میدان می آورد. در طی دو سال پس از وقوع انقلاب در ایران امپریالیسم توطئه های بسیاری را طراحی کرده و به اجرا گذاشته است. توطئه های بیایی امپریالیستهای یانکی از دل بستن به دولت موقت و همدستی با خاندینی مثل امیرانتظام جاسوس به منظور به قدرت رساندن دوستان آمریکا تا تهاجم نظامی به طیس، از نقویت جبهه ضد انقلاب تا توطئه کودتا، از تعرض آشکار لیبرالها تا هجوم نظامی باند صدام به میهن ما همه یکی پس از دیگری به ورشکستگی و شکست انجامیده است. اکنون در آستانه سومین سال تولد انقلاب بهمن، رئیس جمهور آمریکا و کابینه جنگی او در کنار آرزوی سرکار آوردن یک دولت "معتدل" و "میانرو" در ایران که سیاستمداران لیبرال در راس آن باشند، چماق تهاجم نظامی را نیز بلند کرده است تا در فرصت مناسب بر سر انقلاب ایران فرود آورد. امپریالیسم آمریکا به هر قیمتی شده تلاش دارد سلطه خود را برگرداند و نیروهای داخلی مورد حمایت خود را که امروز بطور فعالی زیر پرچم سیاستمداران لیبرال گرد آمده و شعار سرنگونی دولت رجائی را می دهند، بر مسند قدرت بنشانند.

ما بارها بر این امر مهم و حیاتی تاکید کرده ایم و اصرار داریم که حفظ و نداوم هر انقلاب از جمله انقلاب ما بیش از هر چیز در گرو حل قاطع تر مسائل اقتصادی در زمینه های صنعتی، تجارت خارجی و داخلی و مسئله ارضی و بسته به تحکیم و تقویت پایه های اجتماعی انقلاب از طریق دمکراتیزه کردن روابط اجتماعی و سیاسی نیروهای انقلاب می باشد. ما بارها تاکید کرده ایم که تقویت و تحکیم

روابط دوستانه و همبستگی با اردوی جهانی انقلاب براساس احترام متقابل به استقلال و حق حاکمیت و برخورداری از همکاری متقابل این کشورها بر مبنای عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، یکی از شروط قطعی حفظ استقلال و نداوم هر انقلاب ملی و امپریالیستی می باشد. مقامات جمهوری اسلامی ایران باید بدانند که در این برهه از زمان که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا سرمایه داران و زمینداران بزرگ و فئودالها و بورژوازی لیبرال شب و روز تلاش می کنند تا انقلاب ما را شکست دهند و حکومت جمهوری اسلامی را سرنگون سازند، هرگونه ندانم کاری و تعلل و هرگونه دشمنی با دوستان داخلی و خارجی انقلاب ما به سود امپریالیسم و به زیان انقلاب توده های میلیونی زحمتکش میهنمان است.

امروز این یک واقعیت انکارناپذیری است که در شرایط کنونی جهان هر حکومت ملی و امپریالیستی اگر نخواهد از امکانات دوستان داخلی و جهانی انقلاب بهره مند شود هرگز قادر نخواهد شد انقلاب را نداوم بخشیده و

استقلال میهن ما را حفظ کند. برای درک این واقعیت احتیاج به رمل و اسطرلاب نیست. نظری گذرا به اوضاع کنونی جهان نشان می دهد که چگونه صف انقلاب و ضد انقلاب در عرصه جهانی در برابر هم صف آرائی کرده اند تصادفی نیست که تمام کشورهای سوسیالیستی و دولتهای ترقیخواه و ضد امپریالیستی مانند لیبی، سوریه، الجزایر، یمن، دمکراتیک، اتیوپی و... همه در کنار هم قرار گرفته و در برابر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بمثابه دشمن مشترک از عمیق ترین اتحادها و همکاریهای متقابل برادرانه برخوردارند. در حالیکه تمام دولتهای ارتجاعی منطقه مانند اسرائیل، عربستان، مصر، عمان، کویت و عراق در کنار امپریالیسم و مورد حمایت امپریالیسم آمریکا بوده و برای سرکوب جنبشهای استقلال طلبانه و رهائی بخش مردم منطقه مشترکاً اقدام می نمایند.

بارهای از اظهارات اخیر مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی ایران گویای این حقیقت بودداست که پس از گذشت دو سال از انقلاب،

به مناسبت ۲۹ بهمن سومین سالگرد قیام تبریز

گرامی باد خاطره ...

بقیه از صفحه ۲۴

به سراسر میهنمان ایران، بیهوده می گوئید که حرکت مردم تبریز را به "خارجیان" مربوط کنید اما بلافاصله مردم تبریز با سرودن این شعر طنزآمیز پاسخ دندان شکنی به رژیم منفور شاه دادند:

زلفعلی و نادعلی
یونون هاراسی خارجه لی ا
(زلفعلی و نادعلی
کجای اینها خارجی است)!

قیام تبریز با سکوت رذیلانه روحانیون مدافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ کذب اعتبار نفوذ کاذبشان در میان بخشهایی از مردم آذربایجان همواره در صدد توطئه علیه انقلاب بوده اند، مواجه شد. این دسته ا روحانیون با سکوت خود بر وحشیگری جلادان رژیم شاه سرپوش گذاشته و ناراضیتی و وحشت خود را از مبارزه انقلابی توده ها عیان

توده های مردم زحمتکش است و از همین رو آنها - قاطعانه تر از هر نیروی خواهان واژگونی رژیم دیکتاتوری شاه هستند. قیام تبریز که بزرگترین جوشش توده های پس از خرداد ۴۲ بود، همراه با قهر انقلابی که توسط مردم بکار گرفته شد، عمق تضادهای خلق با دستگاه دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم را نمایان تر ساخت. درنده خوئی رژیم شاه که با کشتار وسیع مردم قهرمان تبریز آشکارتر شد چهره دیکتاتوری منفور شاه را بیش از پیش رسوا کرد. و به مردم ایران یکبار دیگر نشان داد که تنها راه سرنگونی ارتجاع وابسته به امپریالیسم، مبارزه انقلابی پیگیر است.

رژیم منفور شاه در وحشت از گسترش دامنه قیام تبریز

ساختند. اما علیرغم سکوت سازشکارانه روحانیون متمایل به امپریالیسم که می خواستند رفرمیسم و اصلاح طلبی را بر راه حل انقلابی چینی - گردانند، قیام تبریز به توهنات رفرمیستی اصلاح - طلبانه در میان توده ها ضربت بزرگی وارد ساخته و آنها را بیش از پیش به راه انقلاب سوق داد. راهی که در ادامه خود طومار رژیم وابسته را درهم پیچید و سد بزرگی را در راه غلبه قطعی بر امپریالیسم آمریکا از پیش پای مردم زحمتکش میهنمان برداشت.

سازمان ما ضمن بزرگداشت خاطره جانبازی دلاورانه مردم تبریز یاد شهدای قهرمان این شهر را گرامی می دارد و به همه شهدای راه استقلال و آزادی میهن درود می فرستد.

شاخه آذربایجان سازمان در بزرگداشت این روز تاریخی اعلامیای تحت عنوان "۲۹ بهمن ۵۶ فصل نویینی در تاریخ مبارزات قهرمانانه مردم تبریز" انتشار داده است

شرکت در مذاکره صلح به سود خلقهای ایران و عراق ...

بقیه از صفحه ۱

● نفس مذاکره با تجاوزگر نه تنها سازشکاری نیست بلکه امری است که باید به خدمت هدف دفع تجاوز بکار گرفته شود. و نمی‌تواند و نباید مردود شناخته شود.

مصالح انقلاب مصالح مردم ایجاب می‌کند که همراه با افزایش همه‌جانبه قدرت مقاومت مسلحانه خلق در عقب‌راندن تجاوزگران و دفاع از انقلاب از هر فرصتی ولو کوچک برای دفع تجاوز و استقرار صلح عادلانه استفاده شود.

توده‌های قهرمان ایران با خلق بزرگترین حماسه‌های تاریخ میهنان درسی تلخ به تجاوزگران و حامیان امپریالیست و مرتجع آنها دادند.

طرح عراق شکست خورد! این را همه جهان‌بینان امروز می‌دانند و حتی رسانه‌های گروهی امپریالیستی نیز که در نخستین روزهای تهاجم، شادمانه از پیروزی‌های عراق سخن می‌گفتند، دیری است که به این واقعیت اعتراف کرده‌اند.

طرح عراق که در واقع امپریالیست‌ها و رژیم‌های مرتجع منطقه سخت بدان دل بسته بودند، آن بود که در یک هجوم برق‌آسا به میهن انقلابی ما، خوزستان و مناطق غربی را از میهن جدا کرده و با استقرار یک رژیم مرتجع مورد حمایت امپریالیسم پایگاهی برای شکست انقلاب در درون میهن ما ایجاد کنند. اما هجوم برق‌آسای ارتش عراق به سرعت در برابر سد دفاعی نیرومندی که خلق انقلابی ما آفرید، متوقف شد و تجاوزگران خیلی زود دریافتند که در ایران چیزی جز شکست سخت در انتظارشان نیست.

خلق ما به هیچ‌وجه خواهان این جنگ نبود. خلق ما هیچ‌وقت و هیچ‌وقت نمی‌خواهد که در تداوم انقلاب، ایران آزاد و دمکراتیک را برپا سازد. خلق ما می‌خواهد و می‌خواهد که در صلح زندگی کند اما امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه ما جنگ عراق علیه انقلابی که همه هستی ستمگران را در منطقه در معرض نابودی قرار داده، این بار از کانال رژیم صدام علیه اراده خلق ما اعلام جنگ دادند.

از آغاز جنگ تاکنون هزاران هم‌میهن انقلابی ما در دفاع از میهن جان باختند و هزاران دل پرشوری که هر یک می‌توانست سالیان سال در تداوم انقلاب و در مسیر ساختن ایران آزاد و آباد فردا

بتپید، از تپش باز ایستادند. این جنگ نزدیک به ۱/۵ میلیون هم‌میهن ما را ماهها است از خانه و کاشانه خود آواره کرده‌است. صنایع زیادی را ویران ساخته، صدها هزار تن را بیکار کرد، هزاران خانه و صدها ساختمان عمومی را ویران ساخته، ده‌ها هزار دانش‌آموز را از تحصیل محروم ساخته و نیروی عظیم خلق ما را که می‌بایست به تمامی برای ساختن ایران آزاد و آباد به کار گرفته شود، مصروف دفع تجاوز ساخته‌است.

ادامه این جنگ همان‌گونه که قبلاً گفته‌ایم خواست امپریالیست‌هاست که می‌خواهند با به راه انداختن قانون تشنج در جهان، با ایجاد دشمنی میان خلقهای جهان از یک سو و مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای جهان را که می‌رود بساط ستمگری امپریالیسم را در هم کوبیده منحرف سازد و از سوی دیگر بازار فروش جنگ‌افزارهای گران‌قیمت خود را داغ نگهدارند. ادامه این جنگ خواست امپریالیست‌هاست چرا که می‌خواهند زیر پوشش خطری که این جنگ برای "منافع حیاتی" آنها ایجاد کرده است، حضور نظامی خود را در منطقه تقویت کنند بدون آنکه اعتراضی علیه این اقدامات تجاوزکارانه در کشورهای امپریالیستی گسترش یابد. امپریالیست‌ها خواستار این جنگند، چرا که آنها برای سرکوب جنبش‌های آزادیبخش منطقه جهان چاره دیگری جز به راه انداختن جنگ‌های تجاوزکارانه ندارند.

امپریالیست‌ها خواستار این جنگند و با این هدف که در ادامه آن صهیونیست‌ها فرصت یابند مواضع خود را مستحکم کنند و در ادامه تجاوز علیه خلق فلسطین و سایر خلقهای منطقه با دستهای بازتر عمل کنند. آری! امپریالیست‌ها به دلایل مختلف خواستار ادامه این جنگند.

به همان اندازه که امپریالیست‌ها ولترجاع منطقه که آتش این جنگ را

برافروخته‌اند خواستار ادامه آنند، نیروهای صلح و سوسیالیسم جهانی به‌ویژه خلقهای زحمتکش ایران و عراق خواستار پایان گرفتن جنگ و خواستار استقرار صلح می‌باشند. خلق ما و همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه آن قطعا خواستار استقرار صلحند اما این صلح را نه به قیمت تسلیم شدن به غارتگران و تجاوزگران جهانی بلکه همراه با دفع تجاوز می‌خواهند. این جنگ تجاوزکارانه را امپریالیست‌ها و رژیم‌های مرتجع منطقه برای به شکست کشاندن انقلاب ایران به ما تحمیل کرده‌اند و بدیهی است که

خلق ما و همه نیروهای ترقیخواه در برابر هر تجاوزی علیه انقلاب ایران تا پای جان به دفاع برمی‌خیزند. صلح را به مفهوم پایان یافتن تجاوز و حفظ انقلاب درک می‌کنند، نه تسلیم به تجاوزگران و یا اتخاذ سیاست‌هایی که مغایر مصالح خلقهای ایران و عراق باشد. صلح باید مطابق مصالح خلقهای ایران و عراق استقرار یابد. مقاومت پیگیر و عادلانه ما در برابر رژیم تجاوزگر صدام به هیچ‌روی به اشکال ممکنه را که می‌تواند در دفع تجاوز موثر باشد، همزمان با مقاومت در برابر تجاوزگران به خدمت نگیریم.

جنبه آزادیبخش و بتنام درحالیکه شورانگیزترین مقاومت تاریخ را در برابر امپریالیست‌های تجاوزکار ادامه می‌داد و دفاع عادلانه در برابر تجاوزگران اساسی‌ترین وسیله دفع تجاوز و دستیابی به صلح عادلانه می‌دانست، با امپریالیست‌ها به مذاکره نشست تا از این راه نیز برای دستیابی به صلح عادلانه و نیز اثبات حقانیت خود و نشان دادن چهره صلح‌طلب خویش به جهان‌بینان بهره‌جوید. اگر و بتنامی‌ها به "مذاکرات صلح" پاریس نمی‌رفتند،

نه تنها یکی از بهترین فرصتهایی را که می‌توانست

صلح‌طلبی و حقانیت آنان را اثبات کند از دست می‌دادند بلکه قطعا امپریالیسم آمریکا و دیگر شرکای تجاوزگرش فرصت می‌یافتند واقعیت‌هایی را که در ویتنام می‌گذشت تنها اندازه‌های دگرگون جلوه دهند چهره تجاوزگر خود را بیارایند و جنبه آزادیبخش و بتنام را بی‌علاقه‌به‌صلح و جنگ طلب معرفی نمایند که قطعا عواقب چنین تحولی به سود تجاوزگران، به زیان خلق ویتنام و بطور کلی به زیان نیروهای صلح و سوسیالیسم جهانی تمام می‌شد. نمونه‌های فراوانی از این نمونه مذاکرات را می‌توان برشمرد.

نفس مذاکره با تجاوزگر نه تنها سازشکاری نیست بلکه امری است که باید به خدمت هدف دفع تجاوز گرفته شود و نمی‌تواند و نباید مردود شناخته شود. آنچه مهم است آن است که ما با چه هدفی مذاکره می‌کنیم و چه موضعی در مذاکره داشته باشیم. مذاکره با موضع دفع تجاوز و اثبات حقانیت ایران و صلح‌خواهی ایران و در نظر گرفتن مصالح خلقهای ایران و عراق نه تنها باید به عنوان بخشی از مبارزه علیه تجاوزگران به حساب آید.

از همین روست که ما نمی‌توانیم با موضع دولت جمهوری اسلامی که در کنفرانس غیرمتعهدما ابراز شد و گاه و بیگاه اینجا و آنجا ابراز می‌شود، موافق باشیم.

دولت جمهوری اسلامی هر نوع مذاکره را مردود می‌شمارد. چنین موضعی در حد خود به رژیم تجاوزگر صدام و به امپریالیست‌ها و دیگر رژیم‌های مرتجع حامی صدام فرصت می‌دهد چهره‌های حق‌بجانب و صلح‌طلب از خود ترسیم نمایند ماهیت ارتجاعی خود را و جنگی را که علیه ایران به راه انداخته‌اند بیوشانند و دولت و مردم ایران را جنگ طلب معرفی کنند.

خلقهای ایران و عراق تشنه صلحند و به این جنگ که امپریالیست‌ها و مرتجعین

منطقه به دست صدام روشن ساخته‌اند به دیده بیزاری می‌نگرند. مردم آگاه ایران و عراق و همه نیروهای آگاه انقلابی در ادامه جنگی که رژیم عراق علیه انقلاب و مردم ایران آغاز کرده دستهای جناحیست‌کار امپریالیست‌ها و مطامع و هدف‌های ضد خلقی آنان را می‌بینند. از آنجا که مذاکره نیز می‌تواند در حد خود در دفع تجاوز و استقرار صلح عادلانه موثر باشد، رد کردن نفس مذاکره از جانب دولت امری نادرست و قطعا مورد اعتراض توده‌های مردم است.

مصالح انقلاب، مصالح مردم ایجاب می‌کند که همراه با افزایش همه‌جانبه قدرت مقاومت مسلحانه خلق در عقب‌راندن تجاوزگران و دفاع از انقلاب از هر فرصتی ولو کوچک برای دفع تجاوز و استقرار صلح عادلانه استفاده شود.

هم‌اینک رژیم تجاوزکار صدام صدها تا امپریالیست‌ها و همه رژیم‌های مرتجع منطقه از اینکه دولت جمهوری اسلامی مذاکره را به کلی نفی می‌کند، به سود خود و در جهت مخدوش ساختن مواضع دولت جمهوری اسلامی بهره‌برداری می‌کنند.

با توجه به همه واقعیت‌های فوق سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت) اعلام می‌دارد که دولت جمهوری اسلامی "هی‌بایست ضمن توجه اکید به این واقعیت مسلم که اساس دفع تجاوز رژیم صدام و هر تجاوز دیگری که امپریالیست‌ها و مرتجعین علیه انقلاب ما به راه اندازند، مقاومت مسلحانه خلق ما است، امر مذاکره را نیز به عنوان وسیله‌ای در راه استقرار صلح عادلانه و دفع تجاوز به حساب آورد و به کار گیرد.

موضع ما در این مذاکره باید بر اساس مصالح خلقهای ایران و عراق و بر اساس حفظ دسایردهای انقلاب ایران باشد. ما قطعا در چنین مذاکراتی باید بر مواضع اصولی خود که بیرون راندن تا آخرین نفر ارتش تجاوزگر از میهنان است، به عنوان ابتدائی‌ترین شرط استقرار صلح تأکید کنیم.

با چنین موضعی مذاکره بر سه اختلافاتی که در مورد قرار داد ۱۹۶۵ ایران و عراق و یا هر اختلاف دیگری که وجود دارد، اصرار است که می‌تواند در خدمت مصالح خلقهای ایران و عراق باشد.

از یادداشت‌های فدائیان خلق در سنگرهای مقاومت :

آفتاب خونین پیروزی در حال دمیدن است

بخطریخانت بعضی از

فرماندهان، از گروهان

۱۸۰ نفری ما ۱۵۰ نفر

به شهادت رسیدند

☆ آتش توپخانه دشمن دسته دسته سربازها را از پا درمی آورد. صحنه مالا مال از زخمی بود. فرماندهان با ریوها، جیب‌ها و نفربرها می‌گریختند.

گذاشتند و ما بدون اینکه ذره‌ای فرصت را از دست بدهیم، در زیر رگبار سلاح‌هایمان حدود ۷۰ نفر را از پا درآورده و منطقه را تصرف کردیم. آن روز وقتمان به جمع‌آوری سلاح‌ها، دفن جسد عراقی‌ها و کندن سنگر گذشت. سربازها از شادی روی پا بند نبودند. اما شادی ما دیری نپایید چرا که توپخانه خودی جز زمان حمله دیگر از ما حمایت نکرد.

روز دوم بود. به تمام نیروهای منطقه دستور عقب نشینی دادند. گروهان ما تازه از تپه سرازیر شده بود که عراقی‌ها به شکل گسترده و همه‌جانبه‌ای به ما حمله کردند. در اولین ساعات حمله حدود نیمی از سربازان گروهان ما به شهادت رسیدند. بسیاری از هم‌سنگرهایم در برابر چشمانم بر اثر اصابت ترکش خمپاره‌ها تکه‌تکه شدند. بعضی فرماندهان مزدور، سربازان گروهان‌شان را رها کرده و پا به فرار گذاشته بودند. فرمانده گروهان ما هم یکی از آنها بود. آتش توپخانه دشمن دسته، دسته سربازها را از پا درمی‌آورد. در این میان فرماندهانی که جز نجات جان خود به چیز دیگری فکر نمی‌کردند، با ریوها، جیب‌ها و نفربرها از منطقه فرار می‌کردند.

دیگر جای درنگ نبود. خشابی پر به کلاشینکفی که روز پیش از عراقی‌ها به غنیمت گرفته بودم، گذاشته و به سرعت به طرف دو جیب فرماندهانی که در حال فرار بودند، دویده و فریاد زدم:

— ایست! حرکت نکنید! خشم وجودم را فرا گرفته بود

من با چشمان خود

جانبازی قهرمانانه سربازان

را در جبهه‌ها دیدم

ساعت ۲ بعد از نیمه شب بود. می‌خواستیم برای یک عملیات شبانه حرکت کنیم. نیروهای خودی (ارتش و سپاه پاسداران) قرار بود حمله‌ای گسترده و همه‌جانبه را آغاز کنند. ما موریت گروهان ما در ارتباط با همین حمله سراسری اخیر بود. سربازهای گروهان ما از ساعت ۱ وسائشان را جمع کرده و آماده شده بودند اما رانندگان نفربرها هنوز نیامده بودند. باد سردی از سمت کوه‌های دالاهو می‌وزید سربازهایی که بالاپوش گرم نداشتند از سرما می‌لرزیدند هرکس سعی می‌کرد خودش را از باد محفوظ نگه‌دارد. اما نه لباس گرمی داشتیم، نه وسیله دیگری. ناچار تصمیم گرفتیم تا آمدن راننده‌ها توی نفربرها بنشینیم.

بالاخره بعد از یک ساعت و ده دقیقه تاخیر گروهان برای انجام ماوریت به حرکت درآمد. روز قبل محلی را که قرار بود به آنجا حمله کنیم، شناسایی کرده بودیم. هوا هنوز تاریک بود. محل ماوریت رسیدیم. از نفربرها پیاده شدیم. هر سربازی تا آنجا که امکان داشت نارنجک و فشنگ با خود برداشته بود. سربازان دسته، دسته دور هم جمع شده و مشغول صحبت بودند. خشم و عصبانیت آغاز حرکت جایش را به سکوت و آرامش داده بود.

فرمانده دستور حرکت داد. توپخانه‌های دشمن هنوز هم کار می‌کرد. هربار که بر اثر شلیک توپخانه‌ای منطقه روشن می‌شد، ما دشت‌ها و کشتزارهای وسیعی را

از یادداشت‌های یک سرباز فدائی
اواخر دیماه ۵۹

می‌دیدیم که انگار توپخانه‌های دشمن با خمپاره آنها را شخم زده بودند. با قدم‌های کوتاه از میان کشتزارها به طرف دشمن می‌رفتیم.

یک ساعت دیگر هوا روشن می‌شد و ما باید تا آن موقع کار را تمام می‌کردیم. ۲۰۰ متری بیشتر با دشمن فاصله نداشتیم که ناگهان صدای آژیر آمبولانسی در میان کشتزار پیچید. انگار رشته‌های اعصابمان پاره شد. یک لحظه احساس کردیم که دشمن به وجود ما پی برده و همین حال است که گروهان را بطور کامل از پای درآورد. با شنیدن آژیر آمبولانس به سرعت روی زمین دراز کشیدیم نفس از سینه‌مان بیرون نمی‌آمد. قلبمان چنان می‌زد که صدایش را بطور واضح می‌شنیدیم. همینکه چند دقیقه‌ای با نفس‌های حبس و سرهای در سینه فرو برده دراز کشیدیم، فرمانده با صدای خفای همینطور که به زمین و زمان فحش می‌داد گفت:

— آرام بلند شوید.

آمبولانس خودی بود. از جا بلند شده و باز به حرکت درآمدیم. از یک خطر حتمی گذشته بودیم. کافی بود دشمن کنجکاو، نشان داده و به حضور ما در منطقه پی برد. آن وقت درجا گروهان را زیر آتش گرفته و درهم می‌کوبید. این بی‌نظمی‌ها و در کنار آن عدم سازماندهی در بسیاری موارد صدها سرباز جان برکف را تا آن موقع بی‌جهت به کشتن داده بود.

چیزی به سپیده نمانده بود که به سنگرهای دشمن رسیدیم. آنقدر تند آمده بودیم که در آن سرمای نزدیکی صبح بدنمان از عرق خیس شده بود. هر لحظه ممکن بود سپیده بدمد دیگر باید امان نمی‌دادیم. گروهان به سه دسته و هر دسته به چند گروه تقسیم شد. دهها تانک و زره‌پوش دشمن در بقیه در صفحه ۴۰

مسلم کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



چرا می گوئیم لایحه بازسازی و پاکسازی

به نفع انقلاب و جمهوری اسلامی نیست

سرانجام و با تاخیری طولانی لایحه مربوط به بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت در تاریخ ۲۲ دیماه به مجلس شورای اسلامی فرستاده شد. این لایحه در صورت تصویب قرار است سرنوشت شغلی هزاران کارمند پاکسازی شده و یا مشمول پاکسازی را روشن سازد.

از آنجا که فرهنگیان و بخصوص معلمان، بخش بسیار بزرگی از پاکسازی شدگان را تشکیل می‌دهند و در خود لایحه نیز وضعیت آموزش و پرورش جای ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است، ما نیز سعی خواهیم کرد همه جوانب لایحه مزبور را در ارتباط با آموزش و پرورش مورد بررسی قرار دهیم.

مسئله پاکسازی و بازسازی یکی از مبرم‌ترین نیازها و وظایف هر انقلاب است مشروط بر آنکه در جریان این پاکسازی نیروها و عناصر ضد انقلاب مورد تصفیه قرار گیرند. در مقدمه لایحه مزبور نیز بحق از "انقلاب و دگرگونی در سیم و مهره‌های اداری که یکی از مهم‌ترین ارکان سلطه رژیم طاغوت بوده‌اند" و ضرورت پاکسازی "عوامل و افرادی که

از ارزش‌های منحصر رژیم گذشته تغذیه می‌شوند" سخن به میان آمده است. اما در ادامه مطلب متوجه می‌شویم که پاکسازی بخشی از معلمان ترقیخواه و انقلابی و پاکسازی معلمان کمونیست نیز در دستور کار قرار گرفته و حتی در مورد "طاغوتیان" ریز و درشت اغماض‌های فراوان شده است. بطور مثال در فصل چهارم لایحه که مربوط به ضوابط حاکم در بازسازی نیروی انسانی است، در مواد ۲۳، ۲۵ و ۲۷ به موارد زیر بر می‌خوریم:

ماده ۲۳- مدیران کل حفاظت و روسای دوایر آن محکوم به انفصال دائم از خدمات دولتی می‌باشند مگر اینکه ثابت شود فعالیت ضد مردمی نداشته‌اند که در این صورت حداقل بازنشسته خواهند شد.

ماده ۲۵- دبیران حزب منحل رستاخیز در سطح استان و مقامات بالاتر از آن محکوم به انفصال دائم از خدمات دولتی و مسئولین حزب مذکور در سطح شهرستان‌ها حداقل محکوم به بازنشستگی خواهند شد. تبصره ۱- روسای کانون‌های

حزبی در صورت عدم فعالیت موثر به نفع رژیم گذشته از مجازات معاف می‌باشند و در غیر این صورت تعیین مجازات آنها به عهده هیئت‌ها می‌باشد.

تبصره ۲- عضویت در حزب رستاخیز به تنهایی موجب مجازات نخواهد شد.

بند ۲ از ماده ۲۷ تشویق‌نامه‌ها، مدال‌ها و عکس‌ها (از رژیم سابق) به تنهایی موجب مجازات نخواهد بود مگر آنکه نشانگر فعالیت موثر مستخدم در تحکیم مبانی رژیم گذشته بوده باشد.

اینگونه مواد و تبصره‌ها نه تنها نوید خوشی دربر ندارد بلکه دشمنان انقلاب را سخت شادگام و امیدوار خواهد کرد.

کدام معلم و کارمند زحمتکش را سراغ دارید که نداند اداره حفاظت هر وزارتخانه در رژیم منفسور گذشته شعبه‌ای از ساواک جهنمی بوده و وظیفه آن تفتیش عقیده، کنترل و تصفیه کارکنان مبارز، پرونده سازی و توطئه علیه کارمندان انقلابی خلاصه می‌شده است.

کارکنان زحمتکش و مبارز آموزش و پرورش بخوبی به یاد دارند که از طریق همین ادارات حفاظت و مدیرکل‌های مزدور چه محیط دهشتناکی بر مدارس حکمفرما شده بود. حال لایحه برای اثبات فعالیت‌های ضد مردمی مدیران حفاظت به دنبال دلیل و مدرک می‌گردد!

حتی اگر بنا را بر خوش بینی بگذاریم و فرض کنیم که این همه برای محکم کاری و رعایت دقیق و بررسی لازم قبل از صدور حکم بیان شده است اندکی بعد می‌خوانیم:

"اعضای رستاخیز و گیرندگان تشویق‌نامه و... از عقوبت و مجازات معاف هستند" اما در تبصره ۲ از ماده ۳۵ لایحه "صرف اعتقاد به مکاتب غیراسلامی و... موجب عدم صلاحیت برای خدمت در وزارت آموزش و پرورش خواهد بود و اینگونه افراد برحسب مورد منتقل یا بازخرید یا بازنشسته می‌شوند اما جیره - خواران رژیم شاه و اعضای حزب رستاخیز و دارندگان

مدال‌های رنگارنگ از رژیم سرسپرده پهلوی بر سر کار می‌مانند. هرچند در فکر خویش هنوز "شاه پرست" باقی مانده‌باشند و در کردار خود همدوش با لیبرال‌های کهنه‌کار و سه‌جهانی‌های تازه مسلمان شده تیشه به ریشه جمهوری اسلامی و انقلاب بزنند!

بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۷ لایحه حتی راه فرار را روی مهره‌های سرسپرده رژیم سابق گشوده است زیرا مفاد آن به گونه‌ای است که به مهره‌های موثر رژیم سابق اجازه می‌دهد بوقلمون صفتانه تغییر رنگ دهند و برای وارد آوردن ضربه به انقلاب چهره زشت خود را پنهان دارند.

ضمن ملاک قرار دادن "عملکرد" آنها تأکید می‌کند که تعیین مجازات مشروط بر آن است که "فعالیت مستخدم در حوزه محل اشتغال در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق از حد متعارف بیشتر بوده باشد" این لایحه "حد متعارف" فعالیت برای تحکیم مبانی رژیم سابق را به رسمیت می‌شناسد اما نیروهای انقلابی و معلمان مبارزی را که با آرمان انقلابیونی چون صمدبهرنگی‌ها و بهروز دهقانی‌ها به دفاع از دستاوردهای انقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی در مقابل توطئه امپریالیسم، لیبرال‌ها و عوامل داخلی اش

برخاسته‌اند، مستوجب برکناری و بازخرید و انتقال و بازنشستگی می‌شناسد به‌ویژه در شرایطی که تمامی نیروهای انقلابی درگیر مبارزه‌های سخت و بی‌امان با امپریالیسم و لیبرال‌ها هستند، طرح این چنین لواحی با چنین موادی واقعا موجب نگرانی است.

مسئولین دولت حتما اطلاع دارند که مطابق اصل ۲۳ قانون اساسی: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد" پس این ضدیت با انقلابیونی که هیچ آرمانی جز استقلال و آزادی واقعی مردم ایران و رهایی زحمتکشان از چنگال استثمار سرمایه‌داران و

زمینداران ندارند چه معنا دارد؟ مجلس شورای اسلامی که اکثریت نمایندگان آن را نیروهای ضد امپریالیسم تشکیل می‌دهند باید با حذف این مواد که بطور آشکار ناقض قانون اساسی و مغایر با شئون انقلاب و جمهوری اسلامی است نشان دهند که بر تفتیش عقاید صحنه نمی‌گذارند و به اصول قانون اساسی حقیقتاً می‌خواهند وفادار بمانند. تفتیش عقاید در قانون اساسی به مکان و زمان هیچ شغلی مشروط نشده و بنابراین شامل کلیه ادارات و از جمله شامل آموزش و پرورش نمی‌شود و نباید شود.

مسئولین ضد امپریالیست جمهوری اسلامی که برخی از آنان در زندان‌های رژیم شاه بوده‌اند می‌دانند که کسانی که به آرمان کمونیسم یعنی آرمان طبقه کارگر اعتقاد و ایمان راسخ دارند به صرف مصلحت‌های شغلی عقاید خود را انکار نمی‌کنند اما در مقابل مهره‌های رژیم سابق که از انقلاب زخم خورده‌اند برای ضربه زدن به انقلاب و تبلیغ عقاید ضد انقلابی خود هر لحظه به رنگی در می‌آیند، بازگذاشتن راه برای عوامل رژیم سابق و مجازات نیروهای انقلابی "به صرف اعتقاد به مکاتب غیر اسلامی" مرز بین دوستان و دشمنان انقلاب را مخدوش می‌سازد و تصویری از آن ارائه می‌کند که مسلما به سود انقلاب و جمهوری اسلامی نخواهد بود.

مسئولین جمهوری اسلامی پس از دو سال فراز و نشیب باید بخوبی دریافته باشند که هر عمل و هر قانون انقلابی وضع شده توسط جمهوری اسلامی مردم را بیش از پیش به انقلاب امیدوار ساخته و بر شور و فعالیت انقلابی آنان افزوده است و هر قانون و لایحه ضد مردمی موجب پراکندگی و دلسردی مردم شده و متقابلا به لیبرال‌ها و سایر ضد انقلابیون امکان داده است که متشکل شوند و سبب شده تا لیبرال‌ها با تظاهر به آزادیخواهی و مخالفت -

خوانی‌های بی‌محتوا، بازار گرمی کنند و جمهوری اسلامی و دستاوردهای انقلاب را در معرض مخاطره قرار دهند.

تسخیر انقلابی سفارت امریکا و اجرای قانون اصلاحات ارضی و جیره - بندی مایحتاج ضروری مردم مورد استقبال وسیع توده‌های مردم قرار گرفت اما عدم اجرای بند ج و مسلح کردن فتودال‌ها در بعضی مناطق توسط دولت "گام به گام" و اخراج نیروهای انقلابی مورد تحسین و تشویق ضد انقلاب واقع شده است. عبدالوهاب طالقانی که زمانی در راس هیئت‌های پاکسازی نیروهای انقلابی و دلسوز و مجرب آموزش و پرورش را در تهران تصفیه می‌نمود و برای این منظور با "پیگیری و جدیت" از شهری به شهری مسافرت می‌کرد، بالاخره معلوم شد که ساواکی است و خود باید پاکسازی شود که شد.

امروز بازهم کم نیستند کسانی مانند عبدالمحمد شیردل که به پاکسازی معلمان مترقی کمر بسته‌اند اما سوابق امر نشان می‌دهد که این فرد که در رژیم گذشته پس از "کنکاش و مشاوره و دقت کامل" توسط حزب رستاخیز انتخاب شده، امروز نیز قصدی جز ادامه اعمال ننگین گذشته خود ندارد. اینگونه افراد در پناه انحصارطلبی‌های سیاسی و کونه نظری‌های برخی جریانات و مسئولین جمهوری اسلامی با جدیت تمام مقاصد گذشته خویش را دنبال می‌نمایند.

لیبرال‌ها با زدن برچسب کمونیستی بر برخی اقدامات دولت می‌خواهند از پیش - داوریهائی که ساواک و سیا و سایر جنایتکاران بین‌المللی طی سالها در ذهن مردم زحمتکش نسبت به انقلابیون کمونیست ایجاد کرده‌اند، سود جویند و از این طریق دولت را در مقابل دیگر نیروهای ضد امپریالیست قرار دهند. لیبرال‌ها و انحصارات بین‌المللی از این حيله به دو طریق سود می‌برند:

۱- هرگاه دولت به دام توطئه آنان بیفتد و علیه کمونیست‌ها دست به اقدام بزند که در این میان به قول معروف زهر طرف که شود، کشته به سود آنان است و هرگاه دولت از اقدامات رادیکال و مترقیانه خود دست بکشد (و مثلا ساواکی‌ها و رستاخیزی‌های فعال را



چرا طرح اشتغال بیکاران در "تعاونی های تولید" نمی تواند به هدف هایش دست یابد؟

(قسمت دوم)

به آن نیاز دارند، آن است که باید تحت حمایت دولت قرار گیرند و در مواردی خرید محصولات آنها نیز باید تضمین گردد. اما حمایت از صنایع کوچک بی آنکه برنامه جامع صنعتی تعیین کرده باشد که چه کالاهایی و به چه میزانی مورد نیاز جامعه است، کاری بسوده خواهد بود.

بنابراین اولین گام در این جهت، تدوین برنامه جامع صنعتی کشور است که ضمن آن همانطور که در نقد برنامه دولت رجائی در "کار" اشاره کردیم، ارتباط بین صنعت و بخش های دیگر اقتصاد و ارتباط بین بخش های داخلی صنایع تعیین می گردد و در همین برنامه است که موقعیت و نقش صنایع کوچک معین می گردد. در این صورت ارتباط بین صنایع کوچک با صنایع بزرگ مشخص می شود و در همین رابطه است که از صنایع کوچک حمایت به عمل می آید و حتی خرید محصولات آنها نیز تضمین می گردد. بدون تدوین یک برنامه جامع صنعتی (کاری که تاکنون هیچ اقدامی در جهت آن صورت نگرفته است) اینگونه طرح ها موفقیتی نخواهند داشت و ایجاد واحدهای پراکنده و بی ارتباط به هم نیز جز صرف وقت و نیرو و هزینه گزاف شمری نخواهد داشت. در همین رابطه است که برای اعمال کنترل، صنایع بزرگ کشور باید تماما ملی گردند و تحت مالکیت و مدیریت دولتی درآیند و صنایع دولتی با به کارگیری مدیران انقلابی و مطلع برنامه های صنعتی را به موقع اجرا درآورند. در غیر این صورت یعنی در صورت کنترل صنایع بزرگ توسط سرمایه داران، (که هنوز هم بخش قابل ملاحظه ای از این صنایع را تحت کنترل دارند) و در صورت واگذار نکردن مدیریت صنایع دولتی به مدیران انقلابی و مطلع صنایع نظیر اغلب صنایع دولتی فعلی (که یا مدیران لیبرال و ضدانقلابی در رأس آنها قرار گرفته اند و یا عده ای مدیران نالایق و ناآگاه به اداره تولید و

تامین معاش صاحب کارگاه و خانواده اش نسبتا محدود است. همین ویژگی وجود مهارت، کارگران ارزان، استثمار شدید آنها و در مجموع هزینه تامین معاش محدودتره این کارگاه ها را از تعاونی های متشکل از لاقط دهنفر (افراد تحصیل کرده) که بامهارت های کار و با بازار مصرف آشنائی زیادی ندارند و نیز هزینه معاش آنها و خانواده شان نسبتا بالاتر است، کاملا متفاوت می سازد. همیستفاوت هاست که در واقع وجه تمایز عمده "تعاونی های ایجاد شده را با صنایع کوچک هندوستان (که معمولا در این گونه فعالیت ها از آن به عنوان یک الگو یاد می شود) معین می سازد. صنایع کوچک هند که در قالب برنامه صنعتی کشور تحت حمایت دولت قرار دارند، نیز متکی به کار استادکاران ماهر و کارگران بسیار ارزان است. جالب آن که هیئت اعزامی از طرف "مراکز گسترش ... استان ها به هندوستان خود به واقعیت این تفاوت ها برخورد کرده و در گزارش خود نتیجه گیری می کند که صنایع کوچک هند به خاطر این تفاوت ها " قابل پیاده شدن در ایران، به عنوان شرکت های تعاونی تولیدی نخواهند بود".

۴- شرایط موفقیت این طرح: همانطور که گفتیم، موفقیت تعاونی های تولید و بطور کلی صنایع کوچک، متکی به وجود شرایط و ایجاد تغییراتی است که بدون آنها این قبیل واحدها با شکست روبرویند. این شرایط را به ترتیب زیر می توان خلاصه کرد: الف - مهم ترین مسئله ای که واحدهای تولیدی کوچک

از بین خواهند رفت و تنها شرکت هایی به رشد ادامه خواهند داد که خود را با مقتضیات و مصالح جامعه سرمایه داری منطبق ساخته و با کاربرد تکنولوژی مدرن و افزایش باروری و تشدید استثمار کارگران، فعالیت خود را گسترش دهند. در آن صورت به جای شرکت های "تعاونی" مبری از "استثمار و تکاثر" شرکت های سرمایه داری مبتنی بر استثمار و "تکاثر" رشد خواهند یافت. روشی است که در این صورت، تا چه اندازه، از هدف ها و آرمان های تعیین شده برای این طرح دور خواهند افتاد.

پاره ای از مشکلات این شرکت ها بطور کلی از ماهیت تولید خرد ناشی می شود. در نظامی که سرمایه داری در آن سبط یافته، واحدهای تولیدی کوچک در مقابل تولید بزرگ و انبوه، تحت فشارند و به تدریج رو به زوال می گذارند. این واقعیت را در ایران، در مورد زوال تدریجی صدها هزار کارگاه کوچک تولیدی (در مقابل گسترش فعالیت های واحدهای بزرگ طی سال های اخیر) به خوبی می توان دید. البته حتی این واحدهای تولیدی سنتی را نمی توان با "تعاونی های" مورد بحث مقایسه کرد. چرا که آنها بنا به ویژگی های خود امکان ادامه حیات بیشتری دارند. یک کارگاه سنتی را استادکاران ماهری اداره می کنند که بر اثر سالها ممارست، می توانند با هزینه های نسبتا کم کالاهای خود را تولید کنند و نیز به اندازه کافی به بازار مصرف آشنائی دارند در این کارگاه ها، در بسیاری موارد، کارگران بطور خانوادگی کار می کنند و دیگر کارگران نیز در شدیدترین میزان استثمار، تولید می نمایند. به علاوه هزینه

می توان از یک "تعاونی" مجتمع بزرگ مرغداری در همدان با هزینه ۱۷۰ میلیون ریال که صد میلیون ریال آن را مرکز گسترش استان و بقیه را بانک تعهد نمود، یاد نمود. ضرورت های جامعه سرمایه داری، سبب شده است که به تدریج رسما یا عملا در هدف های تعیین شده تجدید نظرهایی به عمل آید. علاوه بر ایجاد شرکت های بزرگ سرمایه داری و وظایف شرکت های تعاونی نیز در ارتباط با ساخنی که در آن قرار دارند، به شکل واقع بینانه تری! تعیین شده و علاوه بر فعالیت های تولیدی به شرکت ها اجازه "معاملات مالی و تجاری" پیمانکاری" که "بطور مستقیم یا غیر مستقیم به موضوعات شرکت مربوط می باشد، نیز داده شده است. و به این ترتیب، شرکت ها می توانند عملا به دنبال کسب سود به عملیات پیمانکاری و تجاری نیز بپردازند.

به این ترتیب چه از نقطه نظر اعضا و چه طراحان، می توان نتیجه گیری کرد که این طرح در شکلی که ایجاد شده، در مجموع، به جز در موارد استثنائی، با شکست روبرو بود و برای آنکه بتواند با موفقیت روبرو شود احتیاج به شرایطی دارد که بدون فراهم آوردن آن شرایط، محکوم به شکست قطعی است و تمامی نیرو و منابع مادی مصرف شده در آن به هدر خواهد رفت. ممکن است چند شرکت در هر استان موفق شوند به حیات خود ادامه دهند و حتی تا حدودی رشد هم داشته باشند. اما با توجه به واقعیات ساخت اقتصادی موجود، در صورتی که تغییرات اساسی در آن صورت نگیرد، بسیاری از این شرکت ها پس از مدت ها

ب: حال اگر مشکلات عملکرد شرکت ها را از دیدگاه طراحان و مسئولین طرح و با توجه به هدف های کاهش بیکاری، کاهش وابستگی و توسعه روستائی بطور خلاصه مورد بررسی قرار دهیم می بینیم که مشکلات و موانع وسیع تری در راه نیل به اهداف تعیین شده وجود دارد. از نظر "کاهش بیکاری" همانطور که قبلا اشاره شد، این طرح تنها حدود ۲۶ هزار نفر را به کار مشغول داشته و این تعداد در مقابل رقم دوونیم میلیارد تومانی که تاکنون توزیع شده، بسیار ناچیز است. اگر تنها از دید اشتغال، این رقم را مورد توجه قرار دهیم و فرض کنیم که این اشتغال نیز موقتی نبوده، عملا برای اشتغال هرنفر حدود یک میلیون ریال خرج شده است. حال اگر از این طریق بخواهیم "قسمت اعظم نیروی انسانی بیکار" را به کار مشغول کنیم، به چندین میلیارد تومان نیاز خواهد بود؟ از نظر "کاهش وابستگی" همانطور که اشاره کردیم، قسمت اعظم شرکت ها در بخش کشاورزی و عمران و خدمات تأسیس شده و تنها ۲۳ درصد از شرکت ها در بخش صنعتی ایجاد شده اند. آن هم در رشته هایی نظر کشاورزی، پاکت سازی، جعبه سازی، لپه پاک کنی، در و پنجره سازی، لباس دوزی و ... بدیهی است که در چنین صورتی به هیچ وجه نمیتوان توان این قبیل شرکت ها را در "کاهش دادن وابستگی" جدی گرفت. از نظر "توسعه روستائی" با آنکه این شرکت ها بالنسبه نقش موفق تری داشته و می توانند داشته باشند، و در صورتی که این فعالیت ها با سایر برنامه های عمران روستائی هماهنگ شوند، می توانند نقش مهمی ایفا کنند. اما آنها هم با مشکل پراکندگی و دور افتادگی از بازار مصرف، بی تجربگی و ... مواجه اند. در مواردی به جای ایجاد صنایع "کوچک" واحدهای بزرگ سرمایه داری که عملا با تراکم ثروت (تکاثر) همراه است، به وجود آمدند که

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران

بقیه از صفحه ۶

چرا طرح اشتغال...

صنعت (این برنامه با شکست حتمی مواجه خواهد شد. ب: دومین شرط اساسی که موفقیت صنایع کوچک به آنها بستگی دارد، ایجاد اتحادیه‌های صنفی و تعاونی و ایجاد محوطه‌های صنعتی است. واحدهای کوچک تولیدی برای تأمین مواد اولیه، تأمین خدمات زیر ساختی از جمله سوخت، برق، آب و... و نیز برای حمل و فروش کالاهای خود احتیاج به خدماتی دارند که تأمین آن به صورت جداگانه، هزینه تولید و فروش را برای این واحدها بسیار افزایش می‌دهد و همین امر سبب می‌شود که نتوانند روی پای خود بایستند. در صورتی که تعاونی‌های پراکنده، خود را در اتحادیه‌های تعاونی متشکل سازند و این اتحادیه‌ها، شرکت‌های خدماتی مشترک، مثلاً برای خرید مواد اولیه، فروش و حمل محصولات، تعمیرات و غیره به وجود آورند، می‌توانند با استفاده از مزایای گروهی استفاده برند. شرط اساسی موفقیت این اتحادیه‌ها، دمکراتیک بودن آنهاست. یعنی آنکه اتحادیه از ترکیب نمایندگان انتخابی تعاونی‌های عضو به وجود آید که در مدیریت آن مشارکت دارند. دولت نیز از طریق همین تعاونی‌ها است که می‌تواند حمایت خود را جهت دهد. از سوی دیگر صنایع کوچک مشابه و مرتبط را می‌توان در محوطه‌های صنعتی مجتمع نمود در هر یک از این محوطه‌های صنعتی تاسیسات زیرساختی و دیگر خدمات بطور مشترک بین شرکت‌های محوطه تقسیم می‌گردد و بسیاری هزینه‌های تولیدی و فروش بین واحدها سرشکن می‌شود مجموعه هر یک از این مجتمع‌ها نیز می‌توانند به شکل اتحادیه‌های اداره گردند.

ب: سومین شرط اساسی و ضروری، کنترل جریان توزیع از جانب دولت است. همانطور که اشاره شد از بزرگ‌ترین موانعی که تعاونی‌های ایجاد شده با آن مواجهند، افزایش مداوم هزینه مواد اولیه و قطعات و ماشین آلات است که کنترل آن در دست تجار و

سرمایه‌داران تجاری بزرگ است و این امر سبب شده که هزینه تولید این شرکت‌ها بطور فزاینده‌ای بالا رود و آنها را با زیان هنگفتی مواجه سازد مادام که جریان توزیع عمده در دست سرمایه‌داران و تجار بزرگ است، هرگونه تلاش برای موفقیت واحدهای تولیدی کوچک، محکوم به شکست است و از همین روست که ضرورت ملی شدن تجارت خارجی و اجرای هرچه سریع‌تر و قاطع‌تر آن و نیز کنترل جریان توزیع در داخل کشور، بیش از پیش احساس می‌شود.

آنچه که در مورد این واحدهای تولیدی کوچک (تعاونی‌ها) گفته شد در مورد صنایع کوچک سنتی خرده‌بورژوازی نیز مصداق دارد. این واحدهای تولیدی که صدها هزار واحد از آنها در شهرها و روستاها پراکنده هستند و بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی کار با شرایطی غیرانسانی در آنها مشغول به کار است و خود صاحبان کارگاه نیز تحت ستم سرمایه‌داران بزرگ قرار دارند، هنوز سهم قابل ملاحظه‌ای از تولید صنعتی را در دست دارند. بخشی از این واحدها باید طبق برنامه‌های منظم به تدریج جذب تولید انبوه و متمرکز صنایع بزرگ شوند و بخشی دیگر باید تحت حمایت مستقیم دولت درآیند تا وضع اقتصادی آنها سامان گیرد و شرایط غیرانسانی حاکم بر آنها که بیش از هر چیز بر توده کارگران کارگاهی تحمیل می‌شود، با تدوین و اجرای یک قانون کار و تأمین اجتماعی مترقی به حداقل رسد در پایان بار دیگر تاکید می‌کنیم که موفقیت واحدهای تولیدی کوچک (تعاونی‌ها) تنها زمانی میسر می‌گردد که سه شرط اساسی فوق‌الذکر یعنی حمایت از صنایع کوچک، در چارچوب برنامه صنعتی کشور و تحت کنترل دولت درآوردن تمامی صنایع بزرگ از طریق ملی کردن آنها، ایجاد اتحادیه‌های تعاونی و محوطه‌های صنعتی و بالاخره ملی کردن تجارت خارجی و کنترل جریان توزیع داخلی قاطعانه به موقع اجرا گذارده شود.

کارگران بلورسازی

با تشکیل سندیکا بر تفرقه غلبه می‌کنند



مبارزه دسته‌جمعی برای به دست آوردن حقوق پایمال شده خود، اغلب بطور انفرادی، دست به مبارزه می‌زنند. کارفرماها نیز از این مسئله استفاده کرده و کارگران منفرد و متفرق را یا اخراج می‌کنند و یا با این استدلال که "حق تو به جای خود، ولی تو به حقوق بقیه کاری نداشته باش" آنها را وادار به تمکین و سازش می‌کنند. ولی علیرغم تشبثات مذبحانه کارفرماها اکنون کم و بیش نشانه‌های امیدبخشی از ارتقاء آگاهی کارگران و درک ضرورت اتحاد عملشان در چارچوب کارگاه‌ها و حتی فراتر از آن در صنف بلورسازی به چشم می‌خورد. آنچنانکه کارگران مبارز کارگاه‌های مختلف بلورسازی ضمن گردهمایی‌های مکرر، موفق شده‌اند ضرورت ایجاد تشکل صنفی خود را در چارچوب سندیکای کارگران بلورسازی درک نموده و پیگیرانه در تدارک خدمات برگزاری انتخابات سندیکا جهت انتخاب نمایندگان واقعی‌شان برآیند. و این بدون شک، گامی است بزرگ که کارگران انقلابی و زحمتکش بلورسازی در مبارزه برای بهبود شرایط کار و تأمین حقوق صنفی‌شان و مهم‌تر از آن تحکیم وحدت خود و تقویت صفوف فشرده طبقات کارگر در راستای انقلاب برمی‌دارند.

اثر برخورد شیشه‌های مذاب با بدن) و... اینها از جمله عوارضی است که در کارگاه‌های بلورسازی عمومیت دارد. از نظر شمول قانون کار نیز همینقدر باید گفت که جنبه‌های مثبت قانون کار نیز در بسیاری از کارگاه‌ها ناشناخته است. قانون حداقل مزد در اکثر کارگاه‌ها اجرا نمی‌شود، بسیاری از کارگران به جای حداقل ۶۳۵ ریال، روزانه ۳۰۰ ریال بیشتر نمی‌گیرند، ساعت کار "قانونی" نیز در اکثر کارگاه‌ها رعایت نمی‌شود. کارفرماها در بسیاری از کارگاه‌ها، خود از جمله استادکاران این صنف‌اند که غالباً در تولید نیز "شرکت" می‌کنند، منتهی برای افزایش شدت کار و همچنین دامن زدن به تفرقه و اختلاف میان کارگران. در این رابطه، بیش از هر چیز، وجود کارگران خارجی (افغانی، پاکستانی و بنگلادشی) زمینه عینی را برای تأمین منافع کارفرما فراهم می‌آورد. این کارگران هیچگونه امکانات رفاهی و بهداشتی و... از کارفرماها طلب نمی‌کنند و حتی از ساعات قانونی کار هم بیشتر کار می‌کنند که این امر موجب می‌شود کارفرماها از آنان برای درهم شکستن اتحاد کارگران بهره‌برداری نمایند. باتوجه به این زمینه است که مسئله اتحاد و تشکل اولیه در این‌گونه واحدها مهمترین مشکل است. هنوز کارگران بلورسازی به جای

قریب ۶۰ کارگاه بلورسازی در تهران وجود دارد که متجاوز از ۲۰۰۰ کارگر کودک، میان سال و سالخورده در آنها کار می‌کنند. کاری طاقت‌فرسا و پررنج در کنار کوره‌هایی با ۱۵۰۰ درجه حرارت، در کارگاه‌هایی بدون کمترین وسایل ایمنی و رفاهی در کارگاه‌های بلورسازی (به‌ویژه در قسمت‌های لوله‌سازی و سفیدسازی) شاهد کار پر مشقت و عذاب‌آور کودکان به جای مدرسه، قدم به مهلکه طوفانی زندگی طبقاتی نهاده‌اند. کودکانی که به خاطر کمک به خانواده‌های فقیرشان و یا به واسطه از دست دادن والدین خود ناگزیر به کارند، و پیرمردانی که به واسطه عدم برخورداری از یک مستمری حداقل و یا حقوق بازنشستگی، مجبورند به کار طاقت‌فرسا در کنار کوره‌ها ادامه دهند. در تابستان‌ها محیط کارگاه به جهنمی بدل می‌شود. گاه به‌گاه، کارگران (به‌ویژه کودکان و پیران) در حین کار از هوش می‌روند، ولی به خاطر لقمه‌های نان ناگزیرند برخیزند و به‌کارشان ادامه دهند. در اکثر کارگاه‌ها حتی از حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی خیری نیست. کارگران عموماً خارج از پوشش قانون تأمین اجتماعی هستند و در کارگاه‌هایی هم که مسئله بیمه اجتماعی مطرح می‌شود، کارفرماها به‌عنوان مختلف از ارسال لیست بیمه کارگران به اداره کار سر باز می‌زنند. حال آن که مسئله تأمین اجتماعی در کارگاه‌هایی از این نوع که شدت استثمار در آنها بسیار بالاست، بیشترین ضرورت را دارد. در کارگاه‌های بلورسازی انواع عوارض و بیماری‌های ناشی از سختی کار وجود دارد: واریس (در اثر سرپا ایستادن‌های مداوم) کمر درد (در اثر بلند کردن قالب‌های سنگین) برونشیت (در اثر آشامیدن مکرر آب یخ در محیط پر حرارت کارگاه)، بیماری‌های چشم (در اثر نگاه کردن مداوم به تشعشع مواد مذاب)، در بریدگی و سوختگی بدن (در

اتحاد زحمتکشان

بزرگترین ضامن پیروزی آنهاست

دهقانان زحمتکش و بی‌زمین چهار قریه ملاحسن قره مصلی، اسلام‌آباد و انصار واقع در منطقه سلمقان از توابع بجنورد امسال موفق شدند در سایه اتحاد و مبارزه خویش اولین محصول جمعی خود را کشت نمایند این روستائیان زحمتکش از اوایل انقلاب در جهت بازپس گرفتن ۸۰۰ هکتار از زمین‌های تعدادی از فئودال‌های منطقه (که قبل از انقلاب در اجاره هژیر یزدانی صاحب کارخانه قند شیروان و پس از انقلاب نیز تا پایان مدت اجاره در اختیار کارخانه قرار داشت) تلاش نمودند اما آنان در این راه دو مشکل پیش رو داشتند. یکی بازپس گرفتن

زمین از فئودال‌ها و دیگری اختلاف بین قریه‌ها در مورد مقدار زمینی که سهم هر یک از آنها می‌شود عملاً مشکل دوم به مشکل عمده تبدیل شد چرا که هر بار قریه‌ای برای بازپس گرفتن زمین‌ها اقدام می‌کرد، فئودال‌ها به تحریک قریه‌های دیگر می‌پرداختند و با رودر رو قرار دادن زحمتکشان از اختلاف آنها به نفع خود و ادامه استثمار و غارتگری خویش استفاده می‌بردند روستائیان زحمتکش با دیدن این وضع و در جریان مبارزه خود بدین نتیجه رسیدند که تنها راهشان برای رسیدن به پیروزی، وحدت و همبستگی‌شان است بدین جهت نمایندگان انتخاب

روستائیان کینکور خواهان

اجرای بند (ج) اصلاحات ارضی می‌باشند

روستای کینکور در ۲۰ کیلومتری پلدشت از توابع ماکو قرار دارد اهالی زحمتکش این روستا همگی کرد و از چهار قبیله چلیسی اوموسی، سحکسی و سله شویی تشکیل گردیده که فئودال‌های ده‌عمدتا از قبیله چلیسی می‌باشند زمین‌های این روستا در گذشته در اختیار شخصی به نام حاجی پاشا فئودال بزرگ ده بود که بعد از مرگش در اختیار فرزندان و برادران وی قرار گرفت در حال حاضر تیمور فرزند حاجی پاشا زمین‌های زیادی در اختیار دارد که در آن به دامداری می‌پردازد وی که دارای بیش از ۳۰۰ راس گوسفند می‌باشد در جوار دامداری به کار کشاورزی و باغداری نیز مشغول است روستائیان می‌گویند ما با استفاده از یک موتور آب می‌توانیم زمین‌های زیادی را زیر کشت برده و عملاً در جبهه مبارزه بر علیه تجاوزات و محاصره اقتصادی امپریالیسم شرکت کنیم ولی تیمور زمین‌ها را به چراگاه اختصاصی تبدیل کرده و به ما اجازه نمی‌دهد تا در آن به کشاورزی پردازیم. علاوه بر این زحمتکشان این روستا عموماً دارای تعدادی محدود دام می‌باشند که به خاطر نداشتن چراگاه عمومی، مجبورند از چراگاه تیمور استفاده نمایند و در مقابل

برای هر ۲۰ راس گوسفند، سالیانه یک گوسفند بابت استفاده از چراگاه و یک گوسفند نیز بابت چوپان به تیمور پرداخت نمایند بدین ترتیب تیمور و دیگر فئودال‌های زالوصفت کینکور در حالی که دو سال از انقلاب ما می‌گذرد همچنان به مکیدن خون زحمتکشان ادامه می‌دهند. به همین دلیل دهقانان رنج‌دیده روستای کینکور خواهان آنند که هیئت ۷ نفره تقسیم زمین هر چه زودتر به روستای آنها رفته و با مصادره زمین‌های فئودال‌ها و تقسیم کردن آن بین دهقانان گام دیگری به نفع زحمتکشان و انقلاب ما برداشته شود

زحمتکشان و دهقانان مبارز

بر اثر جنگ تحمیلی آمریکا - صدام در سال زراعی جاری:

- حدود ۲۰٪ از محصولات جالیزی و ۲۷٪ از سبزیجات مناطق جنگی به بازار عرضه نمی‌شود.

- حدود ۶۰٪ از میزان چغندر قند در مناطق جنگی نسبت به کل تولید مناطق مذکور کاسته شد.

- میزان شکر تولیدی در کارخانجات تصفیه شکر کارون و هفت‌تپه با توجه به اینکه زمان برداشت نیشکر در ماه‌های آذر، دی و بهمن می‌باشد و جنگ تحمیلی اثرات زیانباری روی برداشت این محصول دارد، کاهش دارد.

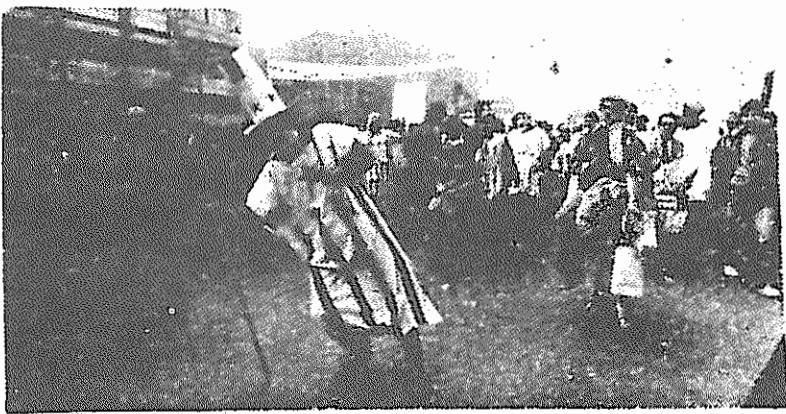
- حدود یک میلیون راس دام در مناطق جنگی آواره شده و مشکلات زیادی از نظر تغذیه آنها به وجود آمده است همچنین با اشغال بعضی مناطق خوزستان قشلاق بیش از ۲ میلیون راس دام لرستان و ایلام که همه ساله انجام می‌گرفت دچار مشکلات شده است.

روستائیان زحمتکش!

با گسترش تولید در مرصه‌های فوق، مبارزه علیه امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن را تداوم بخشیده و دوشادوش رزمندگان لهرمان جبهه‌ها برای درهم شکستن تجاوزات آمریکا - صدام بیگار کنیم.

هم میهنان مبارز!

با صرف‌جویی هرچه بیشتر توطئه دشمنان انقلاب را درهم شکشیم و جبهه انقلاب را تقویت کنیم.



۲۲ بهمن امسال مردم انقلابی میهنان در هر کوی و خیابان پیروزمندانه سالروز انقلاب را جشن گرفتند.

در جشن‌های سالروز انقلاب، زحمتکشان میهنان تمامی خشم طبقاتی خود را نثار امپریالیسم آمریکا لیبرال‌ها و فئودال‌ها کردند. عکس فوق گوشه‌ای از یک کارناوال باشکوه را نشان می‌دهد.

تاخیر در اجرای بند (ج) طرح اصلاحات ارضی

به نفع دشمنان انقلاب است

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

بمناسبت تشکیل بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

شوروی با گامهای سنجیده در راه کمونیسم

قسمت اول

در سال ۱۹۳۹ طبقه کارگر شوروی (به همراه خانواده‌هایشان) یک سوم جمعیت شوروی را تشکیل می‌داد. در حال حاضر این طبقه بیش از ۸۴٪ جمعیت اتحاد شوروی را تشکیل می‌دهد. اهمیت این امر به‌ویژه در آن است که در کشور سوسیالیستی غلبه کمی طبقه کارگر بدان معنی است که اقتصاد ماشینی بزرگ و طبق برنامه واحد سراسری نه تنها در صنعت بلکه در کشاورزی نیز غلبه یافته است و رهبری کارگران در تمام بخش‌های اقتصاد جامعه استحکام و استقرار بیشتری یافته است. به عبارت دیگر این امر بدان معنی است که اقتصاد سوسیالیستی که در پایان دوره اول با غلبه بر اقتصاد کشور راه را بر بازگشت سرمایه‌داری بسته بود، بنیان اجتماعی بسیار استوارتر و مناسب‌تری برای خود ایجاد کرده و با گسترش بازهم بیشتر بخش تمام‌خلقی در اقتصاد، هیچگونه امکانی برای عملکرد سرمایه خصوصی باقی نگذاشته و پایه عینی برگشت - ناپذیری سوسیالیسم را بطور کامل و جامع فراهم ساخته است.

عامل دوم در پروسه ایجاد جامعه‌های همگون از لحاظ اجتماعی و در نتیجه هرچه بیشتر نزدیک شدن به جامعه کمونیستی عبارتست از نزدیکتر شدن دهقانان به کارگران از لحاظ رابطه‌شان در قبال مالکیت وسایل تولید اجتماعی.

در سال ۱۹۳۹ کارگران صنعتی و اداری ۵۰٪ و کشاورزان اشتراکی و صنعتگرانی که در تعاونی‌ها سازماندهی شده بودند ۴۷٪ مردم شوروی را تشکیل می‌دادند. (باید توجه داشت که در اینجا روشنفکران بخاطر رابطه مشابه‌شان با مالکیت وسایل تولید جز طبقه کارگر محسوب می‌شوند.) و تنها ۲٪ از دهقانان و صنعتگران به تولید انفرادی اشتغال داشتند و مالک خصوصی وسایل تولید خودشان بودند.

در حال حاضر بخش خصوصی تولید بطور کامل از بین رفته است. طبقه کارگر ۸۴٪ جمعیت را تشکیل می‌دهد و بقیه جمعیت دهقانانی هستند که در کلخوزها متشکل شده‌اند. (مالکیت کلخوزها تمام خلقی نیست بلکه گروهی است و مالکیت گروهی در مقایسه با مالکیت تمام خلقی شکل تکامل نیافته‌تر مالکیت سوسیالیستی است.) هم اکنون روند نزدیکتر شدن دهقانان به موضع طبقه کارگر از لحاظ مالکیت وسایل تولید از طریق (۱) گسترش بخش تمام خلقی اقتصاد (۲) متحد ساختن داوطلبانه چندین کلخوز در یک کلخوز بزرگتر (۳) عقد قراردادهای همکاری بین صنعت و کلخوزها و یا بین مزارع دولتی و کلخوزها ادامه دارد.

عامل سوم در این پروسه تاثیر انقلاب علمی و فنی معاصر بر تکامل ساختمان اجتماعی اتحاد شوروی است. برای درک بهتر تاثیر این عامل لازم است ابتدا مختصراً به انقلاب علمی و فنی در قرن هیجدهم و سپس انقلاب علمی و فنی حاضر و عملکرد و پیامدهای آن در جوامع سرمایه‌داری و سوسیالیستی اشاره شود.

اهمیتی تعیین‌کننده برخوردار است. اولین مرحله‌ای که جامعه شوروی پس از - انقلاب در مسیر خود به سوی کمونیسم پشت سر گذاشته است، دوره گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و ساختمان شالوده مادی و فنی سوسیالیسم است. این دوره حدود ۲۰ سال (تا سال ۱۹۳۷) به طول انجامید. در این دوره طبقات استثمارگر و از جمله کولاک‌ها بمثابه یک طبقه از بین رفتند، تولید خرده‌بورژوازی که بعد از انقلاب در میان سه عنصر اساسی در اقتصاد شوروی: تولید سرمایه‌داری، تولید کالای خرد و تولید سوسیالیستی - عنصر مسلط را تشکیل می‌داد و لنین تداوم تسلط این عنصر در اقتصاد را عمده‌ترین خطر برای حکومت کارگری می‌دانست، مفلوب تولید سوسیالیستی شد و با جلب داوطلبانه دهقانان به تولید اشتراکی - تمام خلقی و تعاونی - روابط تولید سوسیالیستی در اقتصاد مسلط شد. در پایان این دوره طبقات استثمارگر از بین رفتند و جامعه شوروی از سه طبقه‌خاص جامعه سوسیالیستی یعنی طبقه کارگر، طبقه دهقانان اشتراکی و روشنفکران تشکیل می‌شد که اکثریت آنها یا از نسل بعد از انقلاب بودند و یا تحت نظام سوسیالیستی آموزش دیده بودند و به آرمان طبقه کارگر وفادار بودند.

در طی این دوره بیکاری بطور کامل از بین رفت و بیسوادی در شهر و ده ریشه کن شد. اقتصاد سوسیالیستی بنیان گذاشته شد و بدین ترتیب راه برای حل تضادهای بین شهر و ده و بین کار فکری و کاریدی و در یک کلام برای پرورش انسان‌هایی کامل و همه‌جانبه‌نگر که تقسیم کار آنها را یک‌بعدی و ناقص نکرده باشد، گشوده شد.

از آن زمان به بعد مردم شوروی به رهبری طبقه کارگر و گردان پیشاهنگ آن، حزب کمونیست به کار عظیم ساختمان سوسیالیسم پیشرفته مبادرت ورزیده و با این کار خود، بنیان مادی و فنی کمونیسم را تا حد زیادی فراهم ساخته‌اند. در جریان این کار عظیم گام‌های واقعا موشری در جهت ایجاد جامعه‌ای همگون از لحاظ اجتماعی برداشته شده‌است. عواملی را که به محور تمایزات و تفاوت‌های بین طبقات دوست کمک می‌کنند و محتوای سوسیالیسم پیشرفته و تکامل آن به سوی کمونیسم را تشکیل می‌دهند، می‌توان بطور خلاصه چنین طبقه‌بندی نمود:

قبل از همه باید از رشد کمی طبقه کارگر در جامعه شوروی یاد کرد. طبقه کارگر شوروی در حالی قدرت را به دست گرفت که اقلیت جمعیت روسیه قبل از انقلاب را تشکیل می‌داد. تجربه انقلاب اکتبر نشان داد که برخلاف نظرات متحجر رهبران رفرمیست انترناسیونال دوم، طبقه کارگر هرچند از لحاظ کمی در اقلیت باشد تحت رهبری حزب کمونیست خود می‌تواند تمام استثمار - شونده‌گان را به خود جلب کند و با جلب حمایت کارگران و زحمتکش‌ان جهان و نیز محسوب داشتن تضادهای موجود بین دشمنانش انقلاب را به پیروزی رساند.

★ بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در ۴ اسفند ۱۳۵۹ (۲۳ فوریه ۱۹۸۱) تشکیل خواهد شد. این کنگره قرار است نتایج برنامه پنجساله دهم مصوب کنگره ۲۵ حزب کمونیست را جمع‌بندی نماید و طرح عمومی برنامه حزب کمونیست را برای ۵ و ۱۰ سال آینده تعیین و تصویب نماید. به این مناسبت نگاهی داریم به سیر عمومی تکامل جامعه شوروی از انقلاب اکتبر تا امروز و مراحلی که مردم شوروی در راهشان به سوی کمونیسم پیموده‌اند:

مارکس و انگلس یکی از تفاوت‌های اساسی انقلاب‌های کمونیستی را با تمام انقلاب‌های پیش از زمان خود در این می‌دانستند که تمام انقلابات سابق نهضت‌های اقلیت - به سود اقلیت بوده‌اند در حالیکه انقلاب کمونیستی، نهضت آگاهانه و هدفمند یک اکثریت عظیم به سود اکثریتی عظیم است.

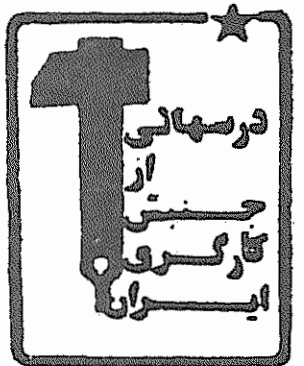
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر اولین انقلاب پیروزمند از این نوع بود. طبقه کارگر روسیه با درهم شکستن قهرمانانه مقاومت سرسختانه طبقات استثمارگر و متحدان امپریالیست و ارتجاعی آنها، دستگاه دولتی کهن را درهم شکست و بجای آن دستگاه دولتی نوین یعنی دستگاه دولتی طبقه خود را برپا داشت و بدین ترتیب پیش شرط سیاسی پیشروی به سوی جامعه کمونیستی، جامعه‌ای بی طبقه که در آن تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل آزاد همگان است، را فراهم ساخت.

و.ا. لنین رهبر حزب کمونیست شوروی و بنیانگذار اولین دولت سوسیالیستی در جهان در بررسی مراحل گذار به جامعه کمونیستی در اولین سال‌های پس از انقلاب نوشت:

" واضح است که برای الغای کامل طبقات، برانداختن استثمارگران، ملاکین و سرمایه‌داران کافی نیست. برای این کار الغای مالکیت آنها کافی نیست. برای این کار لازم است تمام مالکیت خصوصی بر وسایل تولید از بین برده شود، لازم است تمایز و تفاوت بین شهر و روستا و همچنین تمایز بین کارگران یدی و کارگران فکری از بین برده شود و این کار به یک دوره بسیار طولانی نیازمند است. " (۱)

طبقه کارگر و مردم شوروی تحت رهبری حزب کمونیست از آن زمان به بعد بلاانقطاع در راه رسیدن به این اهداف و رسیدن به جامعه‌ای همگون از لحاظ اجتماعی و بی طبقه کوشیده و در این راه بطور مشخص دو مرحله اساسی از سر گذرانده‌اند و در حال حاضر نیز امر تکمیل مرحله دوم و پی‌ریزی بنیان مادی و فنی کمونیسم را با جدیت به پیش می‌برند.

قبل از صحبت درباره این دو مرحله تکامل جامعه شوروی باید به یک نکته در مورد مفهوم طبقه در جامعه سوسیالیستی اشاره شود. مطابق تعریف مارکسیستی طبقه، هر طبقه گروهی از مردم را در بر می‌گیرد که از لحاظ (۱) موقعیت‌شان در یک نظام اقتصادی - اجتماعی همین (۲) رابطه‌شان در قبال وسایل تولید (۳) جایگاه‌شان در سازمان اجتماعی کار و (۴) سهم‌شان از تولید جامعه و نحوه کسب آن از همدیگر متمایزند. بر این مبنا اگر طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری در حال حاضر طبقه‌ای تحت ستم و استثمار و محروم از مالکیت وسایل تولید است، طبقه کارگر اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی طبقه حاکم جامعه است. به همراه سایر گروه‌های مردم مالک وسایل تولید است و سایر زحمتکشان را رهبری می‌کند. توجه به این تمایز بنیادی بین طبقات هنگام در نظام‌های اجتماعی مختلف در صحبت از ساختار اجتماعی کشورهای سوسیالیستی از



شورا، سندیکا و اتحادیه‌های کارگری

(قسمت چهارم)

ب: اتحادیه‌ها در کشورهای سوسیالیستی:

با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر، جهان به آستانه بزرگ‌ترین دگرگونی اجتماعی تاریخ گام نهاد. تسخیر قدرت سیاسی و اقتصادی توسط طبقه کارگر و تملک اجتماعی وسایل تولید، سنگ پایه ژرف‌ترین تحولات در مناسبات اجتماعی گردید. و به دنبال آن مضمون و متد مبارزه اتحادیه‌های نیز دگرگون شد. در نظام سرمایه‌داری پرولتاریا ناگزیر بود در دفاع از منافع اقتصادی طبقاتی‌اش، علیه طبقه سرمایه‌دار (که در باندها و انجمن‌هایش متحد گشته و از طرف دولت بورژوازی بی‌دریغ حمایت می‌شد) به مبارزه متشکل در اتحادیه‌ها برخیزد. ولی همچنانکه لنین تأکید می‌کند، پس از انقلاب سوسیالیستی اکثر اتحادیه‌های کارگری پایه قدیمی وجود خود را که مبارزه اقتصادی طبقاتی است از دست می‌دهند و از آن پس دیگر نه با مبارزه‌های اقتصادی - طبقاتی، بلکه با یک مبارزه اقتصادی غیر طبقاتی مواجهند که این همان مبارزه علیه انحرافات بوروکراتیک دستگاه دولتی شوروی و حراست از منافع مادی و معنوی طبقه کارگر به وسائل و طرقی است که این دستگاه به آنها دسترسی ندارد. (لنین، کلیات آثار، جلد ۳۲ ص ۱۵۵) به اعتبار سرشت سوسیالیستی قدرت دولتی، اتحادیه‌ها، به مثابه معماران جامعه نوین نقش حیاتی و تعیین کننده‌ای در ساختمان سوسیالیسم و تحول همه‌جانبه آن ایفا می‌کنند.

مضمون کلی رابطه میان اتحادیه‌های کارگری و دولت در نظام سرمایه‌داری بر تخصم میان این دو مبتنی است که این خود ناشی از تضاد میان کار و سرمایه است. ولی مضمون اساسی رابطه میان این دو در نظام سوسیالیستی، نه تخصم، بلکه همکاری است یعنی همکاری و مشارکت مبتنی بر حقوق و تکالیف متقابل آنها در امور تولیدی و اداری کشور. زیرا در سوسیالیسم، اتحادیه‌ها و دولت، به مثابه دو جزء از یک سیستم اجتماعی واحد، توأما بیانگر اراده نیروهای واحدی هستند.

"بدون ارتباط محکم با اتحادیه‌ها، بدون پشتیبانی پر حرارت آنها، بدون فعالیت پس فداکارانه‌ای که آنها نه تنها در ساختمان اقتصادی بلکه همچنین نظامی، ابراز داشته‌اند بدیهی است که ما نه تنها دو سال و نیم، بلکه دو ماه و نیم هم نمی‌توانستیم کشور را اداره کنیم... سرمنشاء تمامی قدرت ما، اتحادیه‌های کارگری بوده‌اند."

(لنین: "چپ روی...")
اتحادیه‌های کارگری از یک طرف منشاء قدرت سوسیالیستی‌اند و از طرف دیگر (مقابلاً) "تسمه‌های گرداننده و اهرم‌های سیستم"

* لنین از همان نخستین سال‌های پایه‌ریزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی تأکید کرد که به هیچ وجه نباید از اعضای اتحادیه، پیروی از نظرات معین سیاسی را خواستار شد. در این مورد و در رابطه با مذهب، اتحادیه‌ها باید غیرحزبی باشند. از اعضای اتحادیه در یک کشور پرولتری تنها درک انضباط رفیقانه، ضرورت اتحاد نیروهای کارگری برای دفاع از منافع زحمتکشان و کمک به حکومت شوروی را باید خواست.

دیکتاتوری پرولتاریا، اشکال عمده شرکت اتحادیه‌ها در ارگان‌های اقتصادی و دولتی آنچنانکه لنین پس از انقلاب برشمرده است، به قرار زیر است:

۱- اتحادیه‌ها در تشکیل کلیه ارگان‌های اقتصادی و دولتی که به اقتصادیات مربوطند، شرکت می‌جویند و نامزدهای خود را با ذکر سابقه، تجربه و غیره معرفی می‌کنند.

۲- یکی از مهم‌ترین وظایف اتحادیه‌ها عبارتست از بالا کشیدن و آماده نمودن مدیرانی از بین کارگران و بطور کلی از بین توده‌های زحمتکش.

۳- تشدید شرکت اتحادیه‌ها در کلیه ارگان‌های برنامه‌ریزی کشور پرولتری و در تنظیم نقشه‌های اقتصادی و برنامه‌های تولیدی و در مصرف ذخائر مربوط به تامین مادی کارگران. اتحادیه‌ها باید طبقه کارگر و توده زحمتکش را به مقیاس هرچه پر دامنه‌تر و عمیق‌تر به کلیه امور ساختمان اقتصاد دولتی جلب نمایند و آنها را با کلیه شئون امور صنعتی، از تدارک مواد خام گرفته تا فروش محصولات، آشنا ساخته و همواره تصور مشخص‌تری چه درباره نقشه واحد دولتی برای اقتصاد سوسیالیستی و چه درباره ذینفع بودن مملی کارگر و دهقان در اجرای این نقشه به دست دهند.

۴- تنظیم نرخ‌های مزد و تعیین میزان خواروبار و غیره، یکی از اجزای ترکیبی ضروری کار اتحادیه‌ها در امر ساختمان سوسیالیسم و شرکت آنها در اداره امور صنایع است.

(لنین، وظایف اتحادیه‌ها...)
اتحادیه‌های کارگری در نظام سوسیالیستی به عنوان بخش تفکیک‌ناپذیری از ارگان‌های اجتماعی خلق در هماهنگی کامل با سایر سازمان‌های توده‌ای زحمتکش و ارگان‌های دولت پرولتری و تحت رهبری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر در کار سترگ ساختمان سوسیالیسم فعالانه شرکت می‌جویند. آنها در تمامی حوزه‌های تولید ارزش‌های مادی، برای روشن کردن اهداف و وظایف تولید، تدارک برنامه‌ها، سازماندهی کار و مسابقه سوسیالیستی در موسسات تولیدی شرکت می‌جویند و اعضای خود را به تشریک مساعی

پیگیرانه در کار و تولید به سود خلق می‌خوانند. در رابطه با ترکیب درونی اتحادیه‌ها و وظایف مبارزاتی آن در سوسیالیسم، توجه به دو نکته مهم، ضروری است:

۱- برخلاف کشورهای سرمایه‌داری، در سوسیالیسم، ترکیب اتحادیه‌ها، صرفاً به عضویت کارگران منحصر نمی‌شود بلکه همه کارکنان یک رشته صنعتی، بدون در نظر گرفتن شکل و حرفه‌شان (کارگر، سرپرست کارگاه، مدیر و...) را در بر می‌گیرد.

۲- علاوه بر وظیفه اساسی اتحادیه‌ها در اداره امور اقتصادی و دولتی، باید بر وظیفه انقلابی پیشبرد مبارزه ضد بوروکراتیک اتحادیه‌ها در ارگان‌های اقتصادی و دولتی تأکید گردد. لنین در این رابطه می‌گوید:

"ما قطعاً در مبارزه‌مان علیه بوروکراتیزم نیازمند کمک اتحادیه‌های کارگری می‌باشیم. ما در این مبارزه باید به آنها متکی باشیم."

(لنین، سخنرانی کنگره هشتم)
اتحادیه‌ها نقش برجسته‌ای در مبارزه با مظاهر فورمالیزم، بوروکراتیزم و گرایش‌های تکنوکراتیک مدیران غیر مسئول دارند. چه، وجود اینگونه انحرافات تا مدت‌ها پس از انقلاب نیز در چارچوب اقتصاد و سیاست سوسیالیستی منتفی نیست. و ممکن است مبنای برخورددهائی میان اتحادیه و مدیران و یا حتی اتحادیه‌ها و دولت گردد. ولی با چه مضمونی؟

"ممکن است تدبیریت و کارکنان در برخورد با وظیفه عمومی افزایش کارائی و بهبود کیفیت تولید با مشکلاتی مواجه گردند. ممکن است بین راه‌حل مطلوب برای وظایف اقتصادی از یک سو و وظایف اجتماعی از سوی دیگر، تضادهائی بروز نماید. بعضی اوقات موثرترین راه حل اقتصادی برای افزایش تولید، اثرات اجتماعی نامطلوبی در برخورد دارند. به عنوان مثال به کار بستن تکنولوژی جدید ممکن است اثر عوامل بیماری‌زا را تشدید کند یا ممکن است اداره یک کارگاه یا بخشی از یک کارخانه که تمام کارخانه به کار آن نیازمند است برای یک دوره طولانی محتاج اضافه کار باشد. در اینگونه موارد، اخذ یک چنین تصمیماتی از طرف یک مدیر تکنوکرات و مخالفت اتحادیه‌های کارگری با تصمیمات کاملاً محتمل می‌باشد. چه کسی در این میان محق است؟ روشن است، زیرا در یک جامعه سوسیالیستی وظایف اجتماعی از بالاترین ارجحیت‌ها و اولویت‌ها برخوردارند. برخوردهای میان وظایف اقتصادی و اجتماعی پیوسته به نفع دومی حل می‌شود. در اینجا است که نقش انسانی "مخطورات اجتماعی" که رشد اقتصادی افسار گسیخته را (که در سرمایه‌داری به شدت متداول است و با انگیزه‌های جز سودجویی همراه نیست) مهار می‌کنند، به روشنی آشکار می‌گردد."

(کوروشوف، عملکردهای تدافعی اتحادیه‌های کارگری در شوروی)

اتحادیه‌های کارگری در نظام سوسیالیستی اگرچه برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف خویش در نوسازی، توسعه و تکامل سوسیالیستی جامعه باید سازمان‌های توده‌ای و فراگیر پرولتاریا باشند، و اقدامات و فعالیت‌های خود را تحت رهبری حزب طبقه کارگر انجام دهند، لیکن هیچگاه تبعیت از ایدئولوژی و نظرات سیاسی خاصی، پیش شرط عضویت در اتحادیه‌ها قرار نمی‌گیرد و همچنین اجباری برای ورود به اتحادیه‌ها وجود ندارد.

بقیه در صفحه ۱۵

پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقی ایران

آقای رئیس جمهور آیا هنوز هم اعتقاد دارید امپریالیسم فرانسه پشتیبان استقلال ایران است

تحویل می شود... همان دولت فرانسه که آقای رئیس جمهور همیشه گوشه چشم و نظر لطفی به آن داشته اند، همان که خبر تحویل هواپیماهای میراژ و سایر ابزار جنگی از جانب رئیس جمهورش بنا به اعتقاد آقای رئیس جمهور ما "موجی از اندوه! و ناباوری در نزد ملت ما ایجاد کرده است".

آقای رئیس جمهور - اندرزگویان ژیسکار دستن را مخاطب قرار می دهد که: "جای تردید نیست که رژیم تجاوزگر عراق از هواپیماهایی که دولت شما در اختیار او گذارده است برای ادامه و تشدید بمباران و تخریب مناطق مسکونی و غیر نظامی کشور ما و کشتار مردم ایران استفاده خواهد کرد" تو گوئی ژیسکار معصوم، متولی "امامزاده بی کرامت"! فرانسه بی آنکه خود بداند پای در چاله نهاده است!

این درست همان نقطه است که بسیار کسان برخی ناآگاه، بسیاری دانسته از جمله رئیس جمهور در جوار امپریالیسم "رجیم"! آمریکا فرانسه را امامزاده ای می کنند که ای بسا کراماتی نیز دارد. رئیس جمهور اکنون مدتهاست که چنین می کند. تنها باید به ایشان گفت:

آقای رئیس جمهور! مردم ما می دانند که از این امامزاده معجزه های بر نمی خیزد!

فرانسوی است که به عراق تحویل شد. خیرها حاکی است که دولت فرانسه هواپیمای بمبافکن میراژ در اختیار رژیم صدام حسین قرار داده است. از قرار تصمیم بر آن است که حدود ۳۰ هواپیمای دیگر نیز در اختیار این رژیم تجاوزگر قرار گیرد.

جالب است که در همین شرایط دولت فرانسه سه قایق گشتی ایران را بیش از یک سال در محاق توقیف نگاهداشته است. حالتر اینکه صدام رسماً به فرانسه تضمین داده است که میراژها را علیه رژیم غاصب اسرائیل به کار نگیرد. فرانسه نیز قضیه را بلادرنگ با ریگان در میان گذاشته است.

ایران که بهای قایقهایش را تماماً پرداخته است پس از بارها درخواست رسمی هنوز هم موفق نشده است رضایت مقامات فرانسوی را برای تحویل آنها جلب کند. اما در همان حال ۶ بمبافکن میراژ با تضمین رسمی، با توافق ریگان و رژیم صهیونیستی اسرائیل از سوی دولت فرانسه به عراق که میهن ما و انقلاب ما را مورد تجاوز قرار داده است،

جلی، میان تپی و فریب - کارانه "دو ابر قدرت" است که نویسندگان روزنامه آقای رئیس جمهور و به همراه آنان خود آقای رئیس جمهور درباره آن بسیار قلم زده اند و هم اکنون نیز چنین می کنند اما واقعیات صرف نظر از آنکه آقای رئیس جمهور چه فکر می کنند و نویسندگان روزنامه شان چه برنامه ای دارند، خود به صراحت سخن می گویند. از جنایات امپریالیسم فرانسه در حق خلق قهرمان ویتنام و الجزایر که بگذریم، بر خون ریخته هزاران انسان زحمتکش صحرا و مراکش و دیگر مستعمرات در گذشته چشم پوشیم، لشکرکشی های فرانسه به چاد، ساحل عاج و بسیاری دیگر از کشورهای آفریقا را در همین گذشته نزدیک که نبینیم. تازه ترین تجربه کارگزاران و زحمتکشان میهن خودمان این واقعبند بدیهی را یکبار دیگر نشان می دهد که:

فرانسه هم امپریالیست است و مثل هر امپریالیست دیگر متجاوز، ماجراجو نظامی گرا و دشمن خلقهای زحمتکش. قضیه، قضیه میراژهای

مسالمت، عطوفت و رحم امپریالیست هابی نظیر امپریالیسم فرانسه قرار می دهند که از نقطه نظر قدرت و موقعیت جهانی در سطح امپریالیسم آمریکا نبستند.

درست در همین نقطه بسیار کسان، از جمله آقای رئیس جمهور، در جوار امپریالیسم "رجیم"! آمریکا، امپریالیسم فرانسه و ایضا زاپین را - امپریالیست نه! - امامزاده ای می کنند که ای بسا کرامات کلان نیز دارند.

آقای رئیس جمهور، به همراه نویسندگان روزنامه شان انقلاب اسلامی جز این نمی کنند که بخشی از امپریالیسم جهانی، امپریالیسم فرانسه و زاپین را از زمره دشمنان خلق حذف می کنند، در رده دوستان خلق جامی زنند، نا بجای آنها پیگیرترین و وفادارترین دوستان رهایی خلقهای تحت سلطه - اردوگاه سوسیالیسم جهانی بویژه شوروی را در کنار دشمن اصلی خلقهای جهان، آمریکا، دشمن زحمتکشان جلوه دهند.

این جوهر همان نظریه

تجاوز، ماجراجویی، نظامیگری، دشمنی با خلقهای زحمتکش در ذات امپریالیسم است، خواه آمریکایی، خواه فرانسوی، خواه ژاپنی. این را تاریخ خونبار میلیون ها میلیون زحمتکشان آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به اثبات رسانده است.

امپریالیسم کلا دشمن خونخوار بشریت است و امپریالیسم آمریکا بویژه، خونخوارترین دشمن بشریت است. امپریالیسم آمریکا هارترین، درنده ترین تجاوزکارترین امپریالیسم، دشمن اصلی خلقها در زمان ماست. امپریالیسم آمریکا ژاندارم ارتجاع جهانی، سرکوبگر بین المللی خلقها، رهبر همه سرکوبگران و مرتجعین. اصلی ترین دشمن زحمتکشان روی زمین است. امپریالیستها همه غارتگرند امپریالیسم آمریکا از همه غارتگرتر! امپریالیستها همه متجاوزکارند، امپریالیسم آمریکا از همه متجاوزتر! امپریالیستها همه دشمن زحمتکشاند، امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی زحمتکشان است و...

نکته در همین جاست. درست در همین نقطه بسیار کسان برخی ناآگاه و بسیاری دانسته "خطرناکترین"، "غارتگرترین"، "متجاوزترین"، "ماجراجوترین"، "امپریالیستها - امپریالیسم آمریکا را بهانه و برهان خوی

مردم ایران به حمایت جمهوری اسلامی از ضد انقلابیون افغانستان اعتراض دارند

می پردازند. دهقانی از ساکنین بخش بیجار زابل می گفت:

"۲۲ سال پیش در همین منطقه هیچگونه امنیتی وجود نداشت. وقتی می خواستیم از رودخانه نیاتک بگذریم، بخصوص شبها بطور دسته جمعی حرکت می کردیم، راهزنان حتی بخاطر داشتن یک کت نوتر آدم می کشتند حالا هم که هیچ حساب و کتابی در کار افغانها نیست وضع مثل سابق شده. حکومت افغان خوب است و خود من در مرز آنجا قوم و خویش دارم. دولت در آنجا زمینها را تقسیم کرد و خانها که دیدند سرشان بی کلاه مانده و دیگر نمی توانند زارعین را بچاپند شروع کردند به جنگ. ما خودمان بیچاره هستیم. نه جاده داریم، نه آب خوردن بقیه در صفحه ۲۲

دارند. این دستجات معمولاً شبها برای شیخون زدن به نیروهای دولتی افغانستان به آن طرف مرز رفته و بیشتر ماشینهای حامل خوار و بار و آذوقه را غارت کرده و به این طرف مرز می آورند. ظاهراً طبق قرار رسمی ضدانقلابیون موظفند هنگام ورود به ایران سلاحهای خود را به ژاندارمری تحویل داده و هنگام مراجعت دوباره بگیرند اما در عمل هیچ کنترلی روی مرزها وجود ندارد و ضد انقلابیون افغانی به راحتی با اسلحه و مهمات وارد ایران شده و در گوشه و کنار به قتل و غارت و ایجاد ناامنی

زیر رهبری فئودالها، خوانین و روحانیون مرتجع افغانستان قرار دارند، رسماً در شهر زابل سه دفتر به اصطلاح سیاسی دارند. این دفاترها، کانونهای اصلی توطئه علیه انقلاب افغانستان است و به علت آنکه زیر نفوذ سازمانهای جاسوسی آمریکا و نیز دولتتهای دست نشانده منطقه است، کانونهای توطئه علیه انقلاب ایران نیز به حساب می آیند. دستجات زیر رهبری این دفاتر خود را "مجاهدین افغانی" می نامند و از هر حیث تحت حمایت جمهوری اسلامی و مقامات رسمی محلی جمهوری قرار

گارت می برند. یکی از روستائیان اطراف زابل می گوید: "در حالیکه ما در اکثر روستاها شرکت تعاونی نداریم و نفت و چای و قند و روغن به ما نمی رسد و برای دریافت کزپن سهمیه خود باید با هزار زحمت با الاغ به شهر برویم، افغانیها سهمیه همه چیز را دارند و در آسایش بسر می برند. چند تن از پولدارهایشان در شهر زابل بهترین خانهها و مغازهها را خریده اند. بعضی از روستاها مثل دهکوک و کدخداعلی هم در دست آنهاست." ضدانقلابیون افغانی که

وجود بیش از ۲۰۰/۰۰۰ افغانی در شهر زابل و بخشهای اطراف آن گذشته از ناامنی، مشکلات زیاد دیگری را هم برای مردم این منطقه فراهم آورده است. جاده زاهدان، زابل به طول ۲۳۰ کیلومتر تقریباً در کنترل ضد انقلابیون افغانی است که مورد حمایت دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. آنها که اساساً علیه انقلاب افغانستان سازمان یافته اند در کار قاچاق و راهزنی نیز تاکنون منشاء خدمات برجسته ای!! برای انقلاب ایران بوده اند. ضد انقلابیون افغانی به بویژه در جاده زاهدان - زابل حلوی اتومبیلها را می گیرند، مردم را غارت می کنند، حتی سرنشینان اتومبیلهایی را که به کارشان می آید مانند جیب لندرور، آهو، بی محابا می کشند و اتومبیلها را به

هیئت نمایندگی ایران در کفرانس غیر متعهدها

● کفرانس نشان داد که انقلاب ایران همچنان در سرتاسر جهان از پشتیبانی دوستان و متحدانش برخوردار است.

دستاوردهای انقلاب ایران در زمینه قطع روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی با آمریکا، اخراج مستشاران آمریکائی از ایران، بستن پایگاه‌های جاسوسی آمریکا در ایران قطع روابط با اسرائیل، مصر، آفریقای جنوبی، شیلی، اردن، مراکش و... اشاره رفته است.

نماینده جمهوری اسلامی ایران در کفرانس در عین حال موضعی را مورد تأکید قرار داد که اکنون پس از گذشت دو سال از انقلاب برای همه آشکار شده است که تنها به سود دشمنان انقلاب ماست. از جمله این مواضع نادرست و انحرافی که به اعتبار انقلاب ایران در عرصه جهانی سخت آسیب وارد آورده است و منشاء ضربات سختی بر پیکر انقلاب ایران بوده است، مواضعی بود که در قبال مسئله افغانستان اتخاذ گردید. سخنان نماینده جمهوری اسلامی پیرامون مسئله افغانستان در عمل نوعی هم

گرفت. مواضع رسمی هیئت نمایندگی ایران در سندی که در مطبوعات نیز انتشار یافته منعکس است. این سند متن سخنرانی آقای بهزاد نبوی سرپرست هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی است بهزاد نبوی در سخنرانی خود پس از اشاره به انقلاب بهمن ماه و سرنگونی رژیم شاه و اعتقاد راسخ خلق‌های ایران در ادامه مبارزه تا به آخر با امپریالیسم آمریکا بعنوان بزرگترین دشمن انقلاب مردم ما، ره‌ئوس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشریح نموده و بر مبنای آن به توضیح مواضع ایران پیرامون برخی مسائل مورد بحث کفرانس پرداخته است.

در طرح ره‌ئوس سیاست خارجی، به مبارزه با قدرت‌های امپریالیستی در ابعاد گوناگون، حمایت از مبارزات آزادیبخش خلق‌ها تأکید بر روابط ایران با خلق‌های مبارز سه قاره، مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم اشاره شده و به

قانونی دولت جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان را مورد سؤال قرار دهند.

در مورد کامبوج نیز این نیروها تلاش کردند حمایت امپریالیسم آمریکا و رهبران خائن چین را از رژیم پول‌بیوت پرده‌پوشی کنند. آنها مذبوحانه تلاش کردند جنایات، کشتار و قتل‌عام‌های مردم کامبوج توسط رژیم پول‌بیوت را که مورد حمایت امپریالیسم آمریکا و رهبران چین بود وارونه جلوه دهند و ماهیت تجاوزات چین به خاک ویتنام قهرمان را در اذهان مردم جهان مخدوش سازند.

کفرانس غیر متعهدها و مواضع هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی

هیئت نمایندگی ایران در کفرانس از جانب هیئت‌های نمایندگی کوبا، یمن، دمکراتیک، فلسطین و... بدگرمی مورد استقبال قرار گرفت و دیدارهای دوستانه‌ای بین این هیئت و هیئت‌های کشورهای مذکور صورت

نظامی امپریالیسم آمریکا در گوانتاناما (جزیره متعلق به کوبا که در اشغال آمریکاست) شد.

بیانیه همچنین در مورد بحران خلیج فارس و جنگ عراق و ایران اعلام داشت که سیاست الحاق اراضی و اعمال زور را محکوم می‌شناسد. جنبش‌خواستار بیرون رفتن نیروهای متجاوز از اراضی اشغالی و حل مسائل مورد اختلاف از طریق مسالمت‌آمیز شد.

از طرف دیگر هیئت‌های نمایندگی دولت‌های مرتجع که سعی دارند سیاست‌های امپریالیسم آمریکا را پیش برده و با طرح آنها در کفرانس در جهت تهی کردن مضمون جنبش از اهدافش گام بردارند، مسائلی از قبیل به اصطلاح مسئله افغانستان و کامبوج را در کفرانس طرح کردند. این نیروها کوشش داشتند بر تجاوز و مداخلات آشکار و نهان امپریالیسم آمریکا، دولت مرتجع پاکستان و رهبران حاکم بر چین در افغانستان سربوش گذاشته و ماهیت مردمی و

هفتمین کفرانس وزرای خارجه جنبش عدم تعهد روز جمعه ۲۴ بهمن با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد. در این کفرانس هیئت‌های انقلابی و ترقیخواه و ضد امپریالیست با تأکید بر اصول جنبش عدم تعهد، سیاست‌های جنگ‌افروزانه و تجاوزکارانه امپریالیسم را افشاء کردند.

بیانیه کفرانس به روشنی نگرانی جنبش را از افزایش محیط تشنج که ناشی از گسترش پایگاه‌های خارجی، تمرکز تاسیسات نظامی، ایجاد تسهیلات لجستیکی است اعلام داشت و خواستار یافتن راه‌حلهایی برای جلوگیری از مداخله نیروهای خارجی در منطقه و برچیده شدن کلیه پایگاه‌های خارجی از اقیانوس هند شد.

بیانیه کفرانس قرارداد کمپ‌دیوید را شدیداً محکوم کرد. حمایت کشورهای امپریالیستی را از رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی محکوم کرد و مجازات اقتصادی علیه این رژیم را تأیید نمود. بیانیه حمایت اعضای جنبش را از سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) اعلام کرد. در بیانیه مداخلات امپریالیسم در کشورهای آمریکای مرکزی و از جمله نیکاراگوئه، السالوادور، گرانادا محکوم گردید و خواستار برچیده شدن پایگاه

— انقلابیون گواتمالا ضمن حمله به دو پاسگاه بازرسی، دو پلیس را کشته و عده‌ای را زخمی کردند.

— آمریکا معادل ۳۶ هواپیمای جنگنده اف-۱۶ در اختیار کره جنوبی قرار می‌دهد.

— تعداد بیکاران آمریکا به ۹ میلیون نفر رسید — افغانستان بار دیگر پیشنهاد کرد سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان اختلافات خود را از طریق مذاکره حل کنند.

— از زمان روی کار آمدن ریگان، آمریکا معادل ۸۵ میلیون دلار کمک نظامی به رژیم وابسته السالوادور تحویل داده است.

— دادستان نظامی ترکیه برای ۳۵ نفر از انقلابیون این کشور که در بازداشت به سر می‌برند تقاضای مجازات اعدام کرد.

— دولت آمریکا طی ۴ سال اخیر ۳۳ میلیارد دلار تجهیزات به خاور نزدیک ارسال کرده است — در سال گذشته درآمد واقعی مردم کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی (کومکن) ۴٪ افزایش یافته است

— موزامبیک و چکسلواکی طی بیانیه‌ای تلاش‌های آمریکا برای نفوذ در دیگر کشورها را محکوم کردند.

— منگیستو هاپله ماریام، رهبر اتیوپی ضمن محکوم کردن آمریکا به خاطر در اختیار گرفتن پایگاه‌های نظامی در سومالی، عمان و مصر متذکر گردید که هدف امپریالیسم از اتخاذ چنین موضعی زدودن آثار شکست و حقارت آمریکا در ویتنام است

کفرانس وزرای امور خارجه ۶ کشور منطقه خلیج فارس

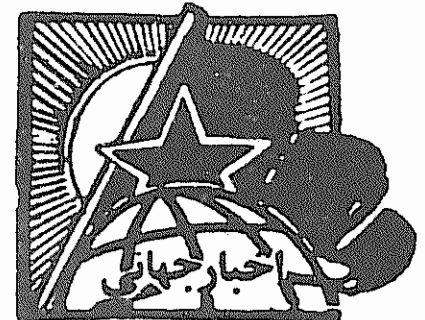
در پی تلاش‌های امپریالیست‌ها برای تشکیل اتحاد نظامی جدیدی به سردمداری رژیم سرسپرده عربستان در منطقه خلیج فارس، اخیراً کفرانسی با شرکت وزرای امور خارجه ۶ کشور حوزه خلیج فارس، یعنی عربستان، بحرین، قطر، عمان، کویت و امارات متحده عربی در ریاض پایتخت عربستان تشکیل گردید.

در این کفرانس مسئله هماهنگ‌سازی و تشریح مساعی در امور نظامی ۶ کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نماینده عمان پیشنهاد نمود که نیروی دریائی مشترکی برای محافظت از تنگه هرمز ایجاد شود. لیکن پیشنهاد عربستان سعودی بر یکسان نمودن امکانات ۶ کشور و یا به عبارت دیگر پدید آوردن نوعی اتحاد نظامی استوار بود.

از سوی دیگر وزیر امور خارجه انگلستان اعلام کرد که انگلستان آمادگی هر نوع همکاری نظامی، فنی و مشاوراتی را با کشورهای منطقه خلیج فارس دارد.

اخبار کوتاه

— آمریکا معادل ۷۰۰ میلیون دلار به عنوان "کمک‌های نظامی و عمرانی" در اختیار دولت وابسته ترکیه قرار می‌دهد.



مانور مشترک آمریکا و عمان و هشداری بهمن دمکراتیک

بعد از مانور مشترک نیروهای واکنش سریع آمریکا با نیروهای ارتش وابسته مصر که در سال گذشته صورت پذیرفت، اکنون قرار است طی هفته آینده تعدادی از نیروهای واکنش سریع آمریکا به عمان گسیل شوند و به مدت ۱۰ روز با نیروهای نظامی قابوس سلطان سرسپرده عمان به مانور مشترکی دست زنند.

در همین حال یمن دمکراتیک مانور مشترک آمریکا و عمان را بخشی از سلسله اقدامات نظامی آمریکا علیه خلق‌های منطقه خواند و علی ناصر محمد رهبر یمن جنوبی ضمن هشدار در مورد پیامدهای سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیسم از کلیه کشورهای منطقه خواست شدیداً با افزایش حضور نظامی آمریکا در عمان به مقابله برخیزند.

چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

(قسمت سوم)

امکاناتی فراهم آورده است که می توانند با داشتن اقلیت سهام در شرکت وابسته و یا حتی با داشتن سهم بسیار اندک (و در مواردی بدون داشتن سهم در شرکت) صنعت وابسته را از طریق اعمال کنترل بر تکنولوژی، مواد اولیه، قطعات منفصله و ماشین آلات تحت تابعیت خود نگهدارند.

انتخاب تکنولوژی تولید در صنایع وابسته در اختیار و تحت کنترل شرکت های انحصاری امپریالیستی است. روش های فنی که برای تولید در صنایع وابسته در کشورهای زیرسلطه انتخاب می شود، با توجه به الزامات، توانایی ها و انتظارات انحصارات امپریالیستی است و نه با در نظر داشتن رشد نیروهای مادی تولید در اقتصاد زیر سلطه. تنها از این طریق است که شرکت های انحصاری امپریالیستی با اتکاء به امکانات فنی که در اختیار دارند و الزاماتی که شبکه جهان گسترده آنها فراهم می سازد، می توانند با گسترش فعالیت خود در اقتصاد زیر سلطه، سود شبکه جهانی خود را به حداکثر برسانند. بدین ترتیب است که می بینیم کارخانه هایی که در اقتصادهای زیرسلطه و نیز در ایران توسط انحصارات امپریالیستی برپا شده اند، چیزی جز کارخانه های مونتاژ نیستند که با تکنولوژی پیشرفته قطعاتی را که در نقاط مختلف شبکه انحصارات امپریالیستی تهیه شده است، سر هم کرده و به بازار عرضه می کنند.

این ویژگی صنعت وابسته تاثیر عمیقی بر رشد نیروهای مولد جامعه می گذارد. بخش عظیمی از نیروی کار رها شده از کشاورزی و از تولید خرد سنتی که وسایل معاش خود را از دست داده اند به صورت کارگران بیکار در حاشیه شهرهای بزرگ در فقر و سرگردانی روزگار می گذرانند، نه مهارتی کسب می کنند، نه به عنوان کارگر به روابط اقتصادی جامعه پیوند می خورند و هر از گاه که رونق بازار باعث کمیابی نیروی کار می شود برای مدتی شغلی می یابند و مزدی می گیرند.

عدم تناسب تکنولوژی و روش فنی تولید در صنایع وابسته با مرحله تکاملی نیروهای مادی تولید داخلی و تابعیت این صنایع از انحصارات امپریالیستی، نیازها و الزامات رشد آنها باعث گسترش ساخت صنعتی ای می شود که فاقد پیوندهای ارگانیک و متقابل میان اجزای آن و میان آن و دیگر بخشهای اقتصادی است و گسیختگی اقتصادی و تشدید و تعمیق وابستگی به شبکه جهانی روابط امپریالیستی را در بر دارد.

رشد و گسترش صنایع وابسته توسط شرکت های انحصاری امپریالیستی تعیین می شود. از آنچه درباره تعیین شرایط فنی تولید گفتیم، این نیز به وضوح معلوم است که گسترش فعالیت هر یک از صنایع وابسته نه با توجه به نیازها و ویژگی های بازار داخلی بلکه اساسا با در نظر داشتن الزامات و شرایط خاص شرکت های انحصاری جهانی و نیازهای شبکه جهانی آن تعیین می شود. از این روست که نرخ انباشت داخلی در صنایع وابسته تابع ملاحظات انباشت در شبکه جهانی انحصارات امپریالیستی است و همواره بخش عظیمی از ارزش اضافی که توسط سرمایه های امپریالیستی کسب می شود به شبکه جهانی فعالیت های این انحصارات جریان می یابد. بر این اساس است که نقل و انتقال سودهای کسب شده به خارج از اقتصاد ملی و انباشت آن در داخل، به وسیله انحصارات جهانی تعیین می شود ادامه دارد

تا پیش از جنگ جهانی دوم تقسیم کار جهانی تحمیلی به وسیله انحصارات امپریالیستی به کشورهای زیر سلطه بدین صورت بود که این کشورها تولید کننده مواد خام معدنی و کشاورزی بودند و خریدار کالاهای ساخته شده انحصارات امپریالیستی، اکنون این کشورها بدین گونه به تولید صنعتی وابسته، همراه با تولید مواد خام معدنی و کشاورزی پرداخته اند. اگر در اوائل قرن بیستم تولید صنعتی خود نشانه ای از پیشرفت اقتصادی جامعه ای بود، اکنون برپائی صنایع وابسته در اقتصادهای وابسته چنین نیست. تولید صنعتی وابسته خود یکی از جنبه های بسیار مهم تقسیم کار جهانی تحمیلی از جانب انحصارات امپریالیستی به کشورهای زیرسلطه است.

صنایعی که بدین ترتیب پدید می آیند از لحاظ سرمایه وابسته اند یعنی اینکه فرماندهی سرمایه بر نیروی کار توسط شبکه امپریالیستی انحصارات جهانی انجام می شود. ویژگی های اعمال فرماندهی سرمایه امپریالیستی بر نیروی کار صنایع وابسته و نیز پیوندهای میان این صنایع و انحصارات امپریالیستی تابع خصوصیات رشته های تولیدی مختلف یعنی موقعیت انحصاری سرمایه انحصاری، وضع بازار داخلی و ویژگی های فنی تولید در هر رشته و همچنین حدود آزادی های است که دولتهای وابسته معین می دارند.

منتهای کوشش سرمایه های امپریالیستی به دست آوردن کنترل هرچه بیشتر بر پروسه تولید و بر صنعت وابسته در اقتصاد زیر سلطه است. هر چه کنترل سرمایه امپریالیستی بیشتر، حدود آزادی های آن برای در اختیار گرفتن بازار گسترده تر و حمایت دولت وابسته از آن شدیدتر باشد، امکان کسب سود و انتقال سود بیشتر برای سرمایه انحصارات امپریالیستی بیشتر است.

در وهله نخست، مشارکت در سرمایه گذاری و در دست داشتن سهم بیشتر در مجموعه سهام شرکتی که عهده دار صنعت وابسته است، کمال مطلوب سرمایه امپریالیستی است. هرچه کنترل انحصارات امپریالیستی در شرکت وابسته بیشتر باشد، احتمال بروز اختلاف میان سرمایه امپریالیستی و سرمایه داخلی بر سر چگونگی اداره امور شرکت وابسته از نقطه نظر سرمایه امپریالیستی کمتر خواهد بود. قدرتمندترین انحصارات امپریالیستی اغلب حاضر به پذیرش مشارکت هایی نیستند که نتوانند سهم کنترل کننده را در مجموعه سهام شرکت به دست آورند. اما در مواردی که سرمایه های امپریالیستی نتوانند بخش عمده سهام را به دست گیرند برای اعمال کنترل بر پروسه تولید، شیوه هایی دیگر به کار می گیرند. ساده ترین آنها این است که در اساسنامه شرکت برای خود حق "وتو" قائل شوند. اما علاوه بر این و مهم تر از آن خصوصیات صنعت وابسته و جهان گستردگی انحصارات جهانی برای این انحصارات

در شماره پیش گفتیم پس از جنگ جهانی دوم امپریالیسم جهانی که در اثر رشد فزاینده اردوگاه سوسیالیسم و انقلاب های آزادیبخش جهان بازارهای خود را در بسیاری از نقاط جهان از دست داده است، در مقابل تضادهای روز افزون و تشدیدشونده سرمایه داری انحصاری و برای بدست آوردن سود هرچه بیشتر بیش از پیش به صدور سرمایه تولیدی به کشورهای زیرسلطه روی آورده است. انحصارات امپریالیستی با همدستی سرمایه های وابسته داخلی و در بخشهای نوین اقتصادی که امکان استقرار انحصارات تولیدی بیش از همه فراهم بوده به فعالیت پرداخته است. در ایران صنعت اتومبیل، داروئی و شیمیائی، لوازم الکتریکی و الکترونیکی و لاستیک و حتی کفش ماشینی و جورابافی، به صورت انحصارات وابسته با مشارکت سرمایه های امپریالیستی شروع به فعالیت کردند. در این سالها بود که دولتهای وابسته کشورهای زیر سلطه تحت لوای حمایت از صنایع داخلی سیاست هایی برای تضمین سودهای کلان برای سرمایه های امپریالیستی و وابسته دنبال کردند. کارگران و زحمتکشان میهن ما به ویژه از دهه ۱۳۴۰ به بعد شاهد اجرای چنین سیاستی از جانب دولت وابسته شاه بوده اند.

صنایعی که بدین ترتیب در جوامع زیرسلطه چون ایران به وجود آمده اند، صنایعی وابسته هستند. بدین معنا که نه پیدایش آنها نتیجه انباشت سرمایه های داخلی و رشد نیروهای تولید ملی است و نه تولید و انباشت آنها در جهت تامین نیازهای اقتصاد ملی. پیدایش، رشد و گسترش این صنایع در جهت تامین منافع سرمایه های انحصاری کشورهای امپریالیستی و در چهارچوب شبکه جهان گسترده انحصارات امپریالیستی است. این صنایع تنها به تولید در بخشی از پروسه تولید کالا در اقتصادهای وابسته می پردازند که نیازهای شبکه جهانی انحصارات امپریالیستی (شرکتهای چندملیتی) ضروری می سازد و سود مجموعه فعالیت های انحصاری امپریالیستی را در این شبکه جهانی به حداکثر می رساند.

بدین ترتیب رشد و گسترش این صنایع در اقتصادهای وابسته اختلالات و انحرافات عمیقی را در این زمینه پدید می آورد. رشد این صنایع بجای آنکه پیوند میان آنها و نیز پیوند میان صنعت و دیگر بخش های اقتصادی به ویژه با صنعت خرد و کشاورزی، را در چهارچوب اقتصاد ملی رشد و گسترش دهد، پیوند میان آنها و شبکه انحصارات جهانی را هر روز عمیق تر و وسیع تر می کند. اینها صنایعی هستند که هرکدام بنا به مقتضیات و الزامات انحصارات جهانی در اقتصادهای وابسته برپا می شوند و هر روز زمینه گسترده تری را در اقتصاد وابسته در حیطه قلمروی خود قرار می دهند و بدین ترتیب به وابستگی اقتصادی این جوامع می افزایند. اگر

کسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

بهمن، ماه انقلاب،

ماه عظمت پیکار توده‌ها خجسته باد

* شاخه خوزستان سازمان در اعلامیه‌ای با عنوان فوق ضمن گرامی‌داشت حماسه‌آفرینی‌های مردم در روزهای انقلاب و بزرگداشت ۱۹ بهمن سالروز حماسه سیاهکل و یازدهمین سالگرد تولد سازمان، یادآور شده است که: "... بکوشیم با درک عمیق و روشن وظایفی که امروز انقلاب در برابر ما نهاده است و با به خدمت گرفتن همه توان خود در اجرای چنین وظایفی، از سنت‌های انقلابی سازمان پاسداری کنیم و خاطره حماسه آفرینان سیاهکل و انقلاب بهمن را گرامی داریم"

* شاخه فارس سازمان (بوشهر، کهکیلویه و بویر احمد) با انتشار اعلامیه‌ای به مناسبت گرامی‌داشت دومین سالگرد انقلاب پرشکوه خلقهای قهرمان ایران، مردم را به شرکت در راهپیمایی روز ۲۲ بهمن دعوت نموده است. در این اعلامیه گفته شده است: "... امپریالیست‌ها و طرفداران لیبرالشان چنین وانمود می‌کنند که انقلاب بجز گرسنگی و بی‌خانمانی چیزی برای مردم نداشت و اکنون نیز می‌خواهند انقلاب را به شکست بکشانند. اما دشمنان مردم این آرزو را با خود به گور خواهند برد."

* هواداران سازمان در نیشابور با اعلامیه‌ای تحت عنوان "بهوش باش! انقلاب و وطن نرود بر باد" اشاره به درگیری اخیر مدارس و محکوم نمودن آن کرده و اعلام داشته‌اند: "... تمامی نیروهای ضد امپریالیست و ترقیحواه باید تضادهای فرعی را کنار بگذارند و با اتحاد و یکپارچگی برای خنثی ساختن توطئه‌های امپریالیسم جهانی بپا خیزند."

حرکات ساواک مابانه

کمیته میاندوآب محکوم است

* عنوان اعلامیه‌ای است که هواداران سازمان در میاندوآب منتشر کردند. در این اعلامیه ضمن افشاء عناصر ضدانقلاب که در این کمیته رخنه کرده‌اند چنین آمده است: "... کارنامه سراپا ننگین افراد فاسدی چون "زیاد" و "مهراب" (برادر حاجی جمشید) و اعوان و انصار آنها چه قبل از انقلاب و چه پس از آن بر همشهریان مبارز و آگاهمان پوشیده نیست. در راس کمیته نیز افراد مرتجع و معلوم‌الحالی چون "غلام‌نژاد" و غیره قرار دارند که هیچ هدفی جز ایجاد تشنج و درگیری و تفرقه در بین صفوف مردم ندارند."

* هواداران سازمان در ترکمن‌صحرا با انتشار تراکت و اعلامیه‌ای به مناسبت بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب و اولین سالروز شهادت رفقا: توماج، مختوم، واحدی و جرجانی و سایر شهدا اعلام داشته‌اند: "... عهد کنیم فداکار و تسلیم ناپذیر و وفادار به آرمان والای همه رفقای شهید در تقویت و تحکیم شوراهای بکوشیم و تا قطع کامل سلطه امپریالیسم و محو استثمار به پیکار خود همچنان ادامه دهیم."

برنج کاران زحمتکش شخم زمستانی را
شروع کرده‌اند، به یاریشان بشتابیم!

* شاخه گیلان سازمان با انتشار تراکتی با عنوان فوق اعلام داشته: "... هم‌اکنون برنج - کاران زحمتکش برای شخم زمین و از بین بردن کرم ساقه خوار با مشکلاتی نظیر کمبود تیلاز و لوازم یدکی و ... مواجه‌اند، ما ضمن آنکه به رفع مشکلات برنج‌کاران توسط دولت جمهوری اسلامی تاکید می‌کنیم، از همه هواداران سازمان و سایر نیروهای انقلابی می‌خواهیم که به یاری این زحمتکشان بشتابند."

* هواداران سازمان در منطقه مغان اعلامیه‌ای تحت عنوان "از اقدامات مترقیانه نیروهای خط امام پشتیبانی کنیم" منتشر کردند. در این اعلامیه ضمن افشاء و محکوم کردن فتوادل‌های نظیر علی‌خان رئیس، قوتاز بیگ، ایاز رضایی و عناصر مشکوک خلق مسلمان، حمایت خود را از اقدامات انقلابی نیروهای خط امام اعلام داشته‌اند."

دست محکرتین از سر مردم کوتاه!

* عنوان اعلامیه‌ای است که هواداران سازمان در ممقان منتشر کرده‌اند. در قسمتی از اعلامیه چنین می‌خوانیم: "... حاجی قاسم در ممقان حدود ۹ ماه است که سهمیه می‌بخواند عمومی مردم از قبیل تایید و روغن نباتی و ... را دزدیده و احتکار کرده است و به قیمت گران‌تر می‌فروشد. ما ضمن محکوم کردن این‌گونه اعمال از مقامات مسئول می‌خواهیم که فرد مذکور را مجازات نماید و اعلام می‌کنیم که فقط با اجرای فوری اصل ۴۴ قانون اساسی و ایجاد شرکتهای تعاونی می‌توان دست این دشمنان مردم را کوتاه و به خواستهای زحمتکشان پاسخ داد."

* هواداران سازمان در منطقه شبستر دو اعلامیه جداگانه با عناوین "ایجاد شوراهای محلات گامی در جهت تعمیق انقلاب" و "از اقدامات مردمی سازمان عمران و اراضی حمایت می‌کنیم" را منتشر کردند. در این دو اعلامیه ضمن حمایت از اقدامات مترقی سازمان عمران و اراضی و همچنین ضرورت تشکیل شوراهای محلی، از مردم انقلابی شبستر و تمامی نیروهای ضد امپریالیست و ترقیحواه و نهادهای انقلابی خواسته‌اند که: "با برقراری شوراهای محلی گامی بزرگ در جهت تأمین رفاه زحمتکشان و تعمیق انقلاب بردارند."

شورا...

بقیه از صفحه ۱۱

این امری است که لنین در همان نخستین سال‌های پایه‌ریزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی مورد تاکید و تصریح قرار داده است:

" ضروری است که عضویت داوطلبانه خواه در مورد ورود فردی و خواه در مورد ورود جمعی به اتحادیه‌ها را با قاطعیتی هرچه تمام‌تر اجرا نمود. به هیچ وجه نباید از اعضای اتحادیه پیروی از نظریات معین سیاسی را خواستار شد. در این مورد و نیز در مورد رابطه با مذهب، اتحادیه‌ها باید غیر حزبی باشند. از اعضای اتحادیه در یک کشور پرولتری، تنها درک انضباط رفیقانه و ضرورت اتحاد نیروهای کارگری برای دفاع از مصالح زحمتکشان و کمک به قدرت حاکمه زحمتکشان یعنی حکومت شوروی را خواستار شد. دولت پرولتری باید گرد آمدن کارگران را در اتحادیه‌ها، خواه از لحاظ حقوقی و خواه از لحاظ مادی تشویق کند."

(لنین "وظایف اتحادیه‌ها...")

امروز ارتجاع امپریالیستی در کارزار تبلیغاتی ضد کمونیستی خود ادعا می‌کند که اتحادیه‌های کارگری در کشورهای سوسیالیستی "زیر سلطه" احزاب کمونیست قرار دارند. آنها در واقع اهداف و سیاست‌های مشترک اتحادیه‌های کارگری با حزب طبقه کارگر و دولت پرولتری را در ساختمان سوسیالیسم و توسعه و تکامل اقتصاد ملی از یک سو و نقش رهبری حزب را در نوسازی و پیشرفت سوسیالیستی تمام جامعه از سوی دیگر، سلطه بلامنازع حزب بر اتحادیه‌ها قلمداد می‌کنند. و این چیزی جز انعکاس وحشت و هراس آنها از حضور سیاست پرولتری در اتحادیه‌ها و یگانگی سیاسی - تشکیلاتی اتحادیه‌ها نیست. آنها مذبوحانه می‌کوشند تا پیوند ارگانیک و ضرور میان اتحادیه‌ها و حزب طبقه کارگر را انکار کنند. وارنر هلمان، دبیر فدراسیون کارگری آلمان دمکراتیک در رد اینگونه تلقیات و تبلیغات محافل امپریالیستی به درستی استدلال می‌کند که:

" مخالفین ایدئولوژیک ما ادعا می‌کنند که اتحادیه‌های کارگری ما به حزب وابسته‌اند. در این رابطه باید به گفته انگلس اشاره نمود که بیش از صد سال پیش گفت که هر اتحادیه کارگری باید تحت رهبری حزب طبقه کارگر فعالیت نماید. امروزه در جهان هیچ اتحادیه‌های وجود ندارد که تحت نفوذ و یا حتی رهبری این یا آن حزب نباشد. در شرایط سوسیالیسم این یک امر طبیعی است که اتحادیه‌های کارگری پیوند نزدیکی با حزب داشته باشند. برای اینکه باید تکرار کنیم که اهداف حزب به اهداف طبقه کارگر و اتحادیه‌های کارگری منطبق است."

اتحادیه‌های کارگری کشورهای سوسیالیستی همچنین با شرکت در سازمان‌های بین‌المللی کارگری و از آن جمله فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری در تحکیم انترناسیونالیستی کارگران و تأمین وحدت طبقاتی جنبش جهانی کارگری نقش تاریخی عظیمی را ایفاء می‌کنند.

ادامه دارد

استقلال - کار - مسکن - آزادی

اخبار شهرستان ها

حدهسانی و چرا

می خواهند پزشکان اصفهان را به اعتصاب بکشاند

اخیرا جریانی از پزشکان لیبرال و ضدانقلابی سعی در ایجاد یک اعتصاب پزشکی در سطح شهر و دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان دارند. با توجه به وضعیت فوق العاده اصفهان در شرایط حاضر که باید بعنوان پشت جبهه‌های مستحکم رزمندگان انقلاب در جبهه را از هر حیث پشتیبانی کند، با در نظر گرفتن این مسئله که هم اکنون عده کثیری از زخمیان جنگ در بیمارستان‌های اصفهان بستری هستند و از آنجائی که این توطئه حلقه‌ای از زنجیر توطئه سرمایه‌داران، زمینداران و لیبرالها علیه انقلاب شکوهمند خلقهای قهرمان ایران می‌باشد؛ لازم آمد که ماهیت ضدانقلابی این جریان هرچه روشن‌تر افشاء گردد.

امیدواریم که آن عده از پزشکان انسان دوست که بدنبال مشاهده نقایصی چند در بهداری اصفهان و دانشکده پزشکی بدنبال این عناصر ضدانقلاب کشیده می‌شوند با درک وظایف حساس و انسانی خود قاطعانه در طرد و افشای این جریان بکوشند.

بدینال انتصاب دکتر رزمجو به سرپرستی دانشکده پزشکی در اواسط بهمن ماه سال جاری، معدودی از پزشکان لیبرال این دانشکده به بهانه انتخابی نبودن این انتصاب دست به اعتراض زده و تهدید به اعتصاب می‌کنند. (این انتصاب جدید بجای دکتر بدری رئیس سابق دانشکده که از قبل از انقلاب در این پست بوده و در دوره بازگان نیز تثبیت شده بود انجام گرفته است)

این عده ضمن مراجعه به آیت الله خادمی (مرتجع طرفدار سرمایه‌داران و...) خواستار حمایت وی شده‌اند که خادمی نیز در پیامی از رادیو اصفهان خواسته است که آنان ۵ نفر را از بین خود انتخاب نموده، رئیس دانشگاه اصفهان یکی از آنها را انتصاب نماید. این ۵ نفر: دکتر خادمی (پسر آیت الله خادمی و کسی که به محض ورود به دانشگاه پست دانشجویی گرفته بود)، دکتر موزون (فردی که طرفدار شاه بوده و بارها در رکاب وی خدمت کرده) و سه نفر دیگر انتخاب شده‌اند.

این جریان توسط افرادی نظیر دکتر صدری در ارتباط با جریانی ضدانقلابی دیگر بنام "جامعه پزشکان اصفهان" که اخیرا توسط عناصری نظیر دکتر دبیری عضو جبهه ملی و موحدیان به وجود آمده است، قرار دارد. جامعه پزشکان اصفهان که وحشت زده از تعمیق انقلاب و اقداماتی نظیر تقلیل حق ویزیت، نظارت بر کار پزشکان، محدود کردن فعالیت بنگاه داروئی (انحصاری دارو در اصفهان) و دادن جواز کار ایجاد داروخانه به پزشکان جوان، منافع طبقاتی خود را در خطر می‌بینند سعی دارند با استفاده از

ایران! و یا بختیار و پالیزبان و نیز تعدادی اسلحه و فشنگ و مقادیر قابل توجهی پول نقد به دست آمده است. در حالیکه دستگیری عوامل بختیار با استقبال روستائیان و زحمتکشان منطقه روبرو شده است فئودالها و مرتجعین منطقه تلاش می‌کنند این ضدانقلابیون را از بند برهانند. آنها ابتدا کوشیدند این شایعه را بر سر زبان‌ها بیاندازند که گویا جنگ میان شیعه و اهل حق است ولی افشاگری نیروهای انقلابی و هشیاری مردم این توطئه را خنثی کرد. شناسائی و دستگیری بموقع این مزدوران از جانب سپاه پاسداران اقدامی بجا و انقلابی است. ما ضمن تأیید این عمل درست خواهان افشای توطئه‌ها و محاکمه علنی آنها می‌باشیم.

هشدار! مواظب توطئه‌ها باشید

فرخ خان سنجابی در جلسه‌ای با حضور خوانین می‌گوید "عمر این حکومت رو به پایان است"

به ابتکار سرهنگ باوندپور (افسر کودتاجی که یکماه در زندان بود و سپس آزاد گردید و اکنون طرفدار بنی صدر است) گروهی از خوانین و سرپرستان بسیج عشایری کرمانشاه (سیصد نصرالدین حیدری رهبر فرقه اهل حق، خوانین سنجابی و ولدبیگی) برای دیدار آیت الله منتظری به قم می‌روند. در تهران فرخ خان سنجابی نیز به این گروه ملحق می‌شود. این افراد پس از ملاقات در تاریخ پانزدهم بهمن جلسه‌ای تشکیل می‌دهند و درباره جلوگیری از نفوذ سپاه در بسیج عشایری و تمویل گرفتن بیشتر سلاح و پول جداگانه می‌کنند. در این جلسه فرخ خان سنجابی بعنوان نماینده بنی صدر شرکت داشته است. وی ضمن ارائه گزارشی از ملاقاتش با بعضی از امرای ارتش می‌گوید:

"عمر این حکومت رو به پایان است. ما باز هم به مسئولان جمهوری اسلامی و بهویژه آیت الله منتظری خطر قدرت گرفتن خوانین و عوامل ضدانقلاب را در کرمانشاه و مناطق غرب و شرق کشور یادآور می‌شویم."

خرم آباد

همدردی با خانواده‌های

۱۵ کارگر شهید خرم آباد

در جریان انفجار خمپاره در پادگان بابا عباس خرم آباد در تاریخ ۸ بهمن، ۱۵ تن از کارگران که مشغول حمل مهمات و بارگیری تریلر بودند، به شهادت رسیدند. اسامی کارگران شهید به شرح زیر است:

عباس نظری، گرگلی بازگیر، سیروس نوری زاده حس سگوند، نادعلی میخک، سید عزیز شرفی، الوند سپهوند، غلام کریمی، میرولی قائد رحمتی عزیز قاندرحمتمی، شاه محمد دلفان، ملک حسین بابا حسینی، داریلوط محکی، قدرت محکی و عیسی دالوند. همچنین ۹ کارگر نیز مجروح شدند.

ما ضمن همدردی با خانواده‌های این شهیدان از مقامات مسئول می‌خواهیم به این حادثه رسیدگی کنند. ضمنا خانواده‌های کارگران شهید باید زیر پوشش حمایتی قرار گیرند و از امکانات و مزایای خانواده‌های شهدا استفاده کنند.

بقیه در صفحه ۱۷

نارضایتی بحق پزشکان از نارسائی‌ها و از جمله نقص مدیریت بهداری و تنگ نظری‌های حاکم بر آن استفاده کرده و اعتصابی سراسری در اصفهان به راه اندازند. این جامعه اخیرا با صدور اعلامیه‌ای با نام "مردم شرافتمند اصفهان پزشکان شهر خود را دریابید" ضمن حمله به انجمن اسلامی خود را متعهد انقلاب و انسان دوست و... قلمداد کرده‌اند.

در مقابله با این جریان ضدانقلابی، پزشکان متعهد به انقلاب با اقدامات افشاگرانه خود طی اعلامیه‌ای این جریان را افشاء ساخته و اعلام کرده‌اند که در صورت شروع اعتصاب و کم کاری توسط این عده، با کار شبانه‌روزی خود به ارائه خدمات درمانی و اورژانس ادامه خواهند داد. این پزشکان از دکتر رزمجو (سرپرست دانشکده پزشکی) خواستار اقدامات ریشه‌ای تر شده و از نارسائی‌ها و تنگ نظری‌های حاکم بر بهداری اصفهان انتقاد کرده‌اند.

بوشهر

کارکنان شیلات بوشهر که فعالانه می‌کوشند تولیدات شیلات را درجهت پاسخگویی به نیازهای مردم افزایش دهند، نسبت به توطئه‌ها و کارشکنی‌های مدیر و معاون شیلات بوشهر هشدار داده‌اند. کارکنان معتقدند "هزارخانی و باقری رئیس و معاون شیلات بوشهر با فروش و خوابانیدن کشتی‌های ماهیگیری، اخراج گروهی از کارگران، کاهش دستمزد و عدم پرداخت بموقع حقوق کارکنان و نیز عدم عرضه میگو به بازار مقدمات رکود در فعالیت‌های شیلات را فراهم آورده و موجب نارضایتی کارکنان و مردم شده‌اند. کارکنان شیلات در ۲۷ دی ماه جلسه‌ای تشکیل می‌دهند و نمایندگان را برای ادامه فعالیت شیلات انتخاب می‌کنند. یک روز بعد دادگاه انقلاب بوشهر طی دعوتنامه‌ای از نمایندگان می‌خواهد که به دادگاه مراجعه کنند اما هنگام حضور نمایندگان در دادگاه، آنان دستگیر و زندانی می‌شوند. دو روز بعد نیز ۵ نفر دیگر از کارکنان بازداشت می‌شوند.

کارکنان شیلات بوشهر ضمن اعتراض به دستگیری نمایندگان خود، خواستهایشان را به این شرح ارائه داده‌اند:

۱- اخراج و رسیدگی به اعمال ضدانقلابی هزارخانی و باقری رئیس و معاون شیلات بوشهر

۲- آزادی فوری نمایندگان و کارکنان زندانی

۳- فعال نمودن شیلات درجهت تأمین احتیاجات داخلی

۴- جلوگیری از اختلال در تولید و عرضه - پرداخت کامل حقوق و مزایای قانونی کارکنان شیلات

صحنه

عوامل بختیار در «صحنه» دستگیر شدند

عوامل بختیار در صحنه که در تدارک توطئه‌های تازه‌ای در غرب کشور بودند، به وسیله سپاه پاسداران دستگیر شدند. از افراد دستگیر شده چندین چمدان اعلامیه با امضاء نهضت ملی

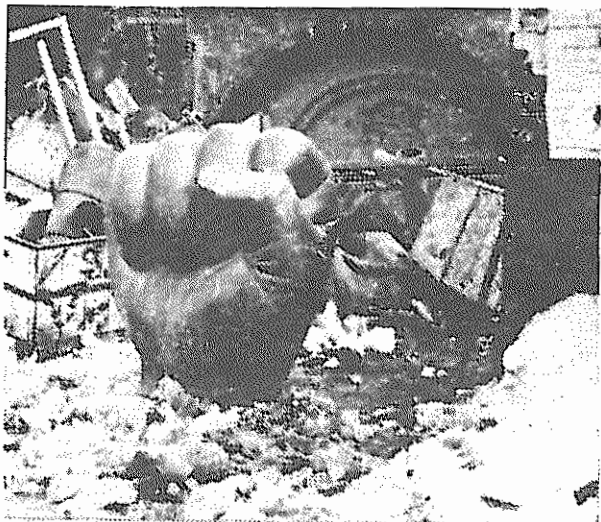
مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

ادامه دارد. مردم شهر اکنون آنها را متهم به وابستگی و خمپاره باران شهر می‌نمایند. صالحزاده فرماندار سردشت که از طرفداران شریعتمداری است، اخیراً عده‌ای از فتوادل‌ها و روسای عشایر را به شهر دعوت نموده و قصد دارد آنها را در ستاد بسیج عشایری متشکل نماید تعدادی از این افراد که تاکنون به شهر آمده‌اند سلاح و پول دریافت کرده‌اند. سیاست مسلح کردن فتوادل‌ها و روسای مشکوک عشایر در کردستان تاکنون نتایج بسیار وخامت‌باری داشته است. این سیاست بخصوص با توجه به نقش مسئله ارضی در کردستان باعث دور شدن دهقانان از انقلاب می‌گردد.

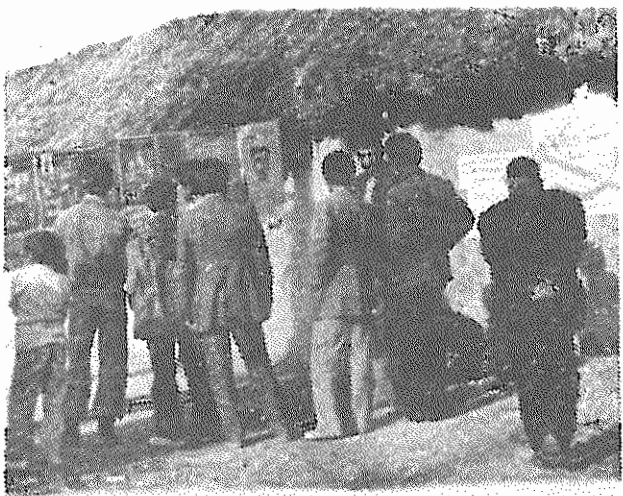
بانه

شهر بانه از آرامش نسبی برخوردار است روستاها همچنان در محاصره اقتصادی قرار دارند روستائیان مایحتاج خود را عموماً مجبورند از طریق عراق تهیه نمایند! فشار نیروهای دولتی بر مردم کاهش یافته ولی حکومت نظامی از ساعت ۶ بعد از ظهر برقرار است



مجسمه "مشت‌گرده" که در عکس مشاهده می‌شود، حاصل یکسال کار یکی از زحمتکشان همدان است. این مجسمه از سنگ تراشیده شده و ارتفاع آن بیش از یک متر است و سمبل مشت‌گرده کرده زحمتکشان علیه استثمار و نظام سرمایه‌داری است.

این مجسمه در یکی از خرابه‌های خیابان اکیاتان همدان در کنار آلونک مجسمه‌ساز زحمتکش قرار دارد.



هواداران سازمان در روستای ماچک‌پشت ساری نمایشگاه عکس و پوستر برپا کردند. این نمایشگاه با استقبال پرشور زحمتکشان روستائی روبرو شد.

مورد مسلح کردن ضدانقلابیونی نظیر معبودی و قطاری در نقده توسط ملاحسنی که طی دو سال گذشته به نام دولت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جنایات بسیار گردیده‌اند، ابعاد فاجعه‌آمیز این سیاست ارتجاعی را به‌دنبال‌تاکیدهای مکرر نیروهای انقلابی و ترقیخواه بازگو کرده‌است. ما مصراً از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که هرچه سریع‌تر نهادهای دولتی را در منطقه از وجود چنین عناصری پاکسازی نموده و با اجرای دقیق پیام اول بهمن امام خمینی که همه مردم را به صلح و آشتی جهت ساختن ایران عزیز فرا می‌خواند، شرایط لازم را جهت اجرای پیام ۲۶ آبان ۵۸ امام، یعنی تأمین حقوق حقه خلق کرد و حل مسالمت‌آمیز مشکل کردستان فراهم نمایند.

بوکان

به مناسبت ۲ بهمن (آریه‌ندان) مراسمی از طرف باند قاسملو و سایر گروهک‌های ضدانقلابی در شهر بوکان ترتیب داده شد. در این مراسم هر یک از این گروهک‌ها تلاش داشتند خود را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران سرسخت‌تر نشان دهند. گروهک کومه‌له در سخنرانی خود باند قاسملو را به دلخوش کردن و تکیه به کمک‌های تسلیحاتی و تدارکاتی عراق متهم نمود! در حالی که خود تاکنون سلاح‌های زیادی از طریق واسطه‌هایی نظیر شیخ جلال حسینی و حامد بیگ معدوم از عراق دریافت نموده است. در مراسم گروهک کومه‌له، پیکار - اقلیت - رزمندگان و دفتر شیخ عزالدین شرکت داشتند. اقلیت در پیام خود اعلام نمود که پس از طرد سازشکاران به صفوف خلق کرد بازگشته است. باند قاسملو که از اختصاص بودجه‌های روحانیون سنی توسط دولت نگران گردیده، به‌خاطر جلوگیری از طرفداری روحانیون از دولت اخیراً دست به تشکیل اتحادیه روحانیون کردستان زده است. آنها برای جلب روحانیون خود را مسلمان دو آتشه معرفی می‌کنند. همچنان‌که خود را نزد سمکو علیار طرفدار شاه، در اعلامیه‌ها سوسیالیست، در سخنرانی‌ها دمکرات و اخیراً نزد مجاهدین خلق ضد ارتجاع و پیش‌بختیار که روابط شان خیلی گرم شده، خود را سوسیال دمکرات معرفی می‌کنند.

مریوان

به‌دنبال نفوذ ارتش عراق به برخی از روستاهای مرزی اطراف مریوان، مردم بی‌دفاع شهر از جانب مزدوران صدام زیر آتش خمپاره‌انداز و توپخانه قرار گرفته و عده‌ای کشته و زخمی شدند.

در پی مذاکراتی که بین سپاه مزدور رزگاری‌نو باند قاسملو پس از درگیری‌های گذشته آغاز گردید طبق خبر موثق مادح نقشبندی (مسئول رزگاری) با عبدالرحمان قاسملو در کرکوک ملاقات کرده است. پس از این ملاقات باند قاسملو و سپاه مزدور رزگاری در مناطقی از کردستان دست به تشکیل ستاد مشترک زده‌اند.

سردشت

اکثر مردمی که به واسطه درگیری‌های اخیر شهر را ترک گفته بودند، مجدداً به شهر بازگردانده اغلب معلمین اخراجی مجدداً به‌کار بازگردانده شده و حقوق آنها پرداخت گردیده است. این اقدام بازتاب بسیار مثبتی در بین مردم داشته است از طرف دیگر درگیری‌های پراکنده میان دارودسته قاسملو و نیروهای دولتی همچنان

بقیه از صفحه ۱۶

اخبار...

باج خواهی امپریالیسم آلمان غربی از کارخانه بوش

شهر صنعتی البرز

کارخانه بوش یکی از کارخانه‌های شهر صنعتی البرز است که تولید آن شمع "اتومبیل می‌باشد این کارخانه که در رژیم گذشته به وسیله آلمانی‌ها اداره می‌شد، پس از انقلاب ملی گردید. اما در حال حاضر این کارخانه از نظر مواد اولیه و قطعات یدکی وابسته به آلمان غربی است و دولت آلمان غربی از این مسئله سوء استفاده کرده و مواد اولیه را تحریم نموده و کارخانه را به حالت نیمه تعطیل درآورده است

اخیراً دولت آلمان غربی اعلام کرده است که مقداری از این مواد را به ایران تحویل می‌دهد به شرط آن که دولت ایران سهام کارخانه را به سرمایه‌داران آلمانی بازگرداند!

این امر یکبار دیگر موضع خصمانه امپریالیستهای اروپائی را نسبت به انقلاب ایران روشن می‌کند و نشان می‌دهد که تمام امپریالیست‌ها اعم از امریکائی و اروپائی و ژاپنی دشمن انقلاب و مردم میهن ما هستند.

کارگران و مهندسان کارخانه بوش علیرغم این تهدیدات فعالانه می‌کوشند چرخ کارخانه را به حرکت درآورند و تا آنجا که می‌توانند بر تولید بیفزایند.

اخبار کردستان

مهاباد

از ماه گذشته تاکنون مهاباد یکی از ناآرام‌ترین مناطق کردستان بوده‌است. افراد مسلح دار و دسته قاسملو و کومه‌له طی این مدت از داخل و خارج شهر مراکز استقرار نیروهای دولتی را مکرراً مورد حمله قرار داده‌اند. با فرارسیدن ۲ بهمن (آریه‌ندان) باند قاسملو تعداد زیادی از افراد مسلح خود را جهت تشدید درگیری و تشنج به داخل شهر فرستادند. و آنها بنا به مأموریتی که داشتند دامنه درگیری‌ها را گسترش دادند. در نتیجه این درگیری‌ها بیش از پنجاه نفر از مردم، پاسداران، ارتش و دارودسته قاسملو کشته شدند مردم شهر را تخلیه کرده و به روستاهای اطراف رفته‌اند. پاسداران و ارتش جهت دفع این حملات همانند گذشته دست به خمپاره باران شهر زدند که تلفات و خرابی فراوان به‌بار آورد.

همزمان با تشدید درگیری‌ها، تعدادی از به‌اصطلاح پیشمرگان مسلمان کرد مستقر در مهاباد با سلاح‌های انفرادی به باند قاسملو پیوستند. آنها همچنین تعدادی از خودروهایی سپاه را با خود بردند. پیش از این نیز در بانه تعدادی از آنها دست به چنین اقدامی زده بودند. ما پیش از این بارها در مورد مسلح کردن فتوادل‌ها و عناصر مزدور وابسته به رژیم سابق به دولت جمهوری اسلامی ایران هشدار داده بودیم این افراد که با ظاهر اسلامی با نیروهای دولتی اظهار همبستگی می‌نمایند، اغلب هدفی جز سوء استفاده از موقعیت جدید، جهت غارت و ابداء مردم ندارند و همواره به‌عنوان یکی از عوامل تشدید مخاصمات و بی‌اعتمادی در منطقه عمل کرده‌اند. افشاگری اخیر روزنامه جمهوری اسلامی در

۵۰ شهید فدائی، ۵۰ لاله سرخ سنگرهای مقاومت در قلب بزرگ خلق همیشه زنده اند

با شهادت رفقای فدائی:
★ علیرضا خلیلی ★ منصور دهقان ★ ستوان دوم احتیاط حسین صالحی
 شمار شهیدای سازمان ما در جنگ عادلانه علیه تجاوزات رژیم صدام به ۵۰ تن رسید. پیگیری فدائیان خلق در مبارزه علیه دشمنان مردم و فداکاری در راه آرمان طبقه کارگر و در راه مصالح خلق در ظرف همین روزهایی که میهن انقلابی ما مورد تجاوز قرار گرفته است بار دیگر در آزمایشگاه تاریخ و در پیشگاه خلق کبیرمان در بوته آزمایش گذاشته شده است. سازمان ما امروز با سربلندی تمام و با افتخار اعلام می‌دارد که در میان گروهها، سازمانها و احزاب سیاسی کشور بیشترین شهید را در دفاع از استقلال و آزادی ایران و در دفاع از منافع مردم و انقلاب مردم در سنگرهای مقاومت به پیشگاه خلق تقدیم داشته است.
 تا به امروز نام ۵۰ فدائی خلق که در جبهه‌های مقاومت با جانبازی و تا آخرین رقی علیه تجاوزگران به استقلال و انقلاب ایران جنگیده‌اند، اعلام شده است. این خود بهترین و روشن‌ترین نشانه حضور گسترده سازمان ما در سنگرهای نخستین مقاومت و نیز بیانگر فداکاری و از جان گذشتگی کمونیست‌ها در راه آرمان طبقه کارگر و منافع و مصالح خلق است.
 مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های گروهی آن چه رادیو - تلویزیون و چه مطبوعات نه تنها این فداکاری و از خود گذشتگی بی نظیر فدائیان خلق را که قطعا نقشی بزرگ و تاریخی در تقویت توان مقاومت خلق، در تقویت جبهه انقلاب ایران و تضعیف جبهه ضدانقلاب داشته‌است منعکس نساخته‌اند بلکه همچنان می‌کوشند حماسه‌های شگوهندی را که فدائیان خلق (اکثریت) در دفاع از میهن و در دفاع از آرمان خلق چه در جبهه‌های مقاومت و چه در پشت جبهه‌های به وسعت میهن می‌آفرینند، انکار کنند.
 رسانه‌های گروهی و مقامات رسمی جمهوری اسلامی همچنان گاه و بیگاه مایلند مدعی شوند که حضور فدائیان خلق در جبهه‌های مقاومت صحت ندارد تا جایی که آیت‌الله خمینی نیز اخیرا و به رغم آن که ما در ارگان سراسری کار شهادت دهها فدائی خلق را در جبهه‌های مقاومت اعلام داشته بودیم، اعلام کردند که فدائیان در دفاع از میهن شرکت ندارند...
 اما وقتی میلیونها هم‌میهن ما، مردم هر کوی و برون ایران از حضور

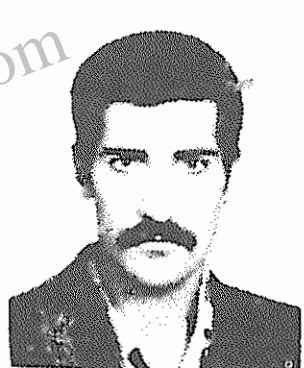
فدائیان (اکثریت) در سنگرهای مقاومت و شهادت دهها تن از این فرزندان انقلابی خلق آگاهند، این برخوردها تنها مایه بی‌اعتمادی مردم نسبت به جمهوری اسلامی و مقامات رسمی آن، آنهم در زمانی می‌شود که تمامی جبهه ارتجاع و ضدانقلاب جهانی در شرایط امروز ایران برای شکست انقلاب همه تلاش خود را برای بی‌اعتبار ساختن جمهوری و شخص آیت‌الله خمینی به کار گرفته‌اند.
 قطعا این شیوه‌های برخورد جمهوری اسلامی و مقامات جمهوری اسلامی کوچکترین تاثیری در عزم و اراده آهنین فدائیان خلق (اکثریت) که در راه آرمان طبقه کارگر و در راه آرمان خلق مبارزه می‌کنند و نه هیچ چیز دیگری نخواهد داشت.
 رفقای ما، هزاران رفیقی که هم‌اکنون در جبهه‌های مقاومت پیگار می‌کنند، همواره می‌دانستند و می‌دانند که در راهی پس دشوار گام نهاده‌اند. راهی که دشوارترین راه اما تنها راه رهایی جاودانه خلق است. رفقای ما در شرایطی در جبهه‌ها حضور یافتند که نه تنها رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی و مقامات جمهوری اسلامی ناجوانمردانه‌ترین تبلیغات دروغین و اتهامات واهی را علیه فدائیان خلق به پیش می‌بردند بلکه حتی اوباشان و چماقداران که در برخی از شهرها به جنازه‌های رفقای شهید ما نیز بشیرمانه حمله می‌کردند، با سکوت رضایت این مقامات جمهوری اسلامی مواجه بودند.
 رفقای ما با علم و اطلاع از همه این دشواریها، با اراده آهنین و جان‌برکف از میهن و از دستاوردهای انقلاب به دفاع برخاستند و امروز پیگیرتر از همیشه به این وظیفه انقلابی خویش ادامه می‌دهند. رفقای ما می‌دانستند و می‌دانند برای چه پیگار می‌کنند و چرا کشته می‌شوند و از همین رو است که می‌بینیم هیچ‌مانعی نتوانسته است کوچکترین خللی در اراده رفقای قهرمان ما پدید آورد.
 کاری که فدائیان خلق (اکثریت) در جبهه‌های مقاومت تا به امروز کرده‌اند چنان تاثیر عظیمی در ارتقاء آگاهی توده‌ها، تقویت صف انقلاب و گسترش اعتبار کمونیستها در میان مردم داشته است که بدون تردید بازگو کردن آن به این آسانی‌ها ممکن نیست. ما در یک کلام می‌توانیم بگوئیم که رفقا با خون خود تاریخ پرافتخار جنبش کمونیستی میهن و تاریخ مقاومت قهرمانانه فرزندان فداکار خلق کبیر ایران را می‌نگارند.



★ فدائی خلق رفیق شهید منصور دهقانی

رفیق منصور دهقانی در سال ۱۳۳۴ در کازرون و در یک خانواده زحمتکش به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در همین شهر به پایان رساند و ایام فراغت را به کار می‌پرداخت و همین امر سبب آشنائی رفیق با رنج و مشقت زحمتکشان و شکل‌گیری شخصیت انقلابییش گردید.
 رفیق منصور در سال ۵۴ به خدمت سربازی رفت و به عنوان سپاهی دانش در روستاهای اراک در راه تحقق آرمان انقلابی کوشید. او در سال ۵۷ به استخدام آموزش و پرورش یاسوج در آمد و با عشقی عمیق نسبت به زحمتکشان در دورافتاده‌ترین روستاهای منطقه که کیلویی و بوی احمد به تدریس پرداخت رفیق منصور در هنگام تدریس با آنکه حقوق ناچیزی دریافت می‌کرد ولی بخش قابل توجهی از آن را صرف خرید کتاب، دارو و لباس برای کودکان محروم روستائی می‌نمود.
 رفیق منصور به عنوان یک کارگران و زحمتکشان، نقش بسزائی در رشد آگاهی مردم روستا داشت و در جریان اوج گیری مبارزات مردم میهنمان همواره سعی داشت تا آنان را در رسیدن به خواسته‌هایشان یاری دهد و در این راه تلاش فراوانی برای افشای دشمنان انقلاب و جدا ساختن صف آنان از صف دوستان خلق نمود. بعد از پیروزی قیام شکوهمند خلق، رفیق با شور و شوق بیشتری به تدریس و انجام سایر وظایف انقلابی خود پرداخت ولی دیری نپائید که انحصار طلبان و تنگ‌نظران و عناصر مشکوک او را به جرم دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان از آموزش و پرورش اخراج کردند رفیق بدون اینکه خللی بر اراده استوارش در خدمت به توده‌ها وارد شود و با درکی که از وظایف خود داشت، به جهاد سازندگی کازرون

پیوست اما پس از چند هفته به "جرم" هواداری از فدائیان خلق اخراج شد. پس از شروع جنگ تجاوز - کارانه عراق علیه انقلاب ایران، رفیق طبق رهنمود سازمان مبنی بر شرکت همه جانبه در جنگ علیه رژیم تجاوزگر صدام در حالیکه سپاه دانش منقضی خدمت ۵۶ بود و به علت همین سپاهی بودنش اجباری به رفتن به خدمت‌نداشت ولی داوطلبانه به جبهه خونین شهر شناخت و پس از مدتی نبرد دلاورانه در روز ۲۴ مهرماه، روزی که خرمشهر به خونین شهر تبدیل شد مورد اصابت خمپاره قرار گرفت و به شدت مجروح شد پیکر مجروح رفیق منصور را ابتدا به اراک و پس از یک ماه به بیمارستان سینای بقیه در صفحه ۲۵



★ فدائی خلق رفیق شهید ستوان دوم احتیاط حسین صالحی

رفیق در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده زحمتکش تهرانی چشم به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات متوسطه وارد دانشکده کشاورزی تهران شد و با اخذ مدرک مهندسی کشاورزی فارغ‌التحصیل گردید. رفیق که شاهد رنج و محرومیت کارگران و زحمتکشان و همچنین غارت ثروت‌های ملی و دسترنج مردم میهنش توسط امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بود، با قلبی مملو از عشق نسبت به کارگران و زحمتکشان و کینه نسبت به غارتگران به مبارزه با عامل این غارتگری یعنی رژیم وابسته شاه برخاسته بود. در دوران دانشجویی بطور چشمگیری در مبارزات صنفی و سیاسی شرکت می‌جست و با شروع مبارزات اوج‌گیر توده‌ای، سرشار از امید به شرکت هرچه فعال‌تر در مبارزه علیه رژیم سفاک شاه پرداخت.
 رفیق حسین همچون سایر مبارزین و انقلابیون، رهائی خلق و نابودی سلطه نکت‌بار امپریالیسم و دست‌نشانندگان آن را در رشد و تکامل و پیروزی هرچه کامل‌تر این مبارزه عظیم می‌دید و به همین دلیل مشتاقانه به خدمت انقلاب درآمده بود و جانش را در طبق اخلاص نهاده و آماده بود که در راه پیروزی انقلاب رهائی بخش مردم میهنش آن را فدا کند.
 حسین که مبارز آگاه و خستگی‌ناپذیر راه رهایی کارگران و زحمتکشان از قید استثمار بود، از مدتها قبل به فدائیان خلق پیوسته بود تا در سنگر خونین و استوار بقیه در صفحه ۱۹

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید★

بقیه از صفحه ۱۸

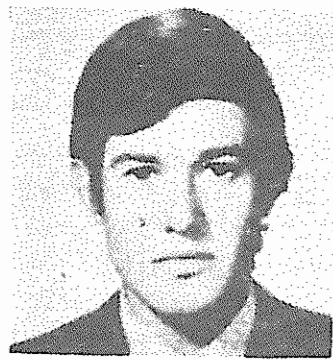
۵۰ شهید فدائی ...

ایکده درواحد نظامی که او در آن خدمت می کرد احساج به افسر وظیفه نبود، مجدداً به مشهد روانه شد و در پادگان به انتظار اعزام به جبهه نشست. سرانجام شب ۵ دیماه ۵۹ که رفیق افسر نگهبان پادگان بود و در نیمه های شب برای سرکشی و همدردی و تقویت روحیه سربازان مشغول گشت بود، در اثر شلیک تصادفی یک سرباز گشتی مصدوم و بلافاصله به شهادت رسید. با ایمان به پیروزی راهش، به تمام شهدای خلق و خانواده و بستگان رفیق حسین صالحی درود می فرستیم.

طبقه کارگر ایران — امپریالیسم و سرمایه داری وابسته بدان به — آرزو بپردازد و بر اساس رهنمودهای سازمان در راه به ثمر رسیدن انقلاب و خنثی کردن توطئه های دشمنان انقلاب بکوشد. رفیق حسین با شروع تجاوز آشکار رژیم ضد مردمی صدام و در پی رهنمود سازمان به عنوان منقضی خدمت سال ۵۶ آماده شرکت در جنگ مقاومت گردید و به عنوان ستوان دوم احتیاط به لشکر ۷۷ مشهد منتقل شد. و از آنجا بانقضا و اصرار عازم جبهه های جنوب شد ولی بعد از مدتی به دلیل



عکس فدائی خلق رفیق شهید جواد گنجی که زندگینامه او در کار ۸۶ به چاپ رسیده بود.



عکس فدائی خلق رفیق شهید اکبر بدلی که زندگینامه او در کار ۸۳ به چاپ رسیده بود.

طلوع

منتشر شد

جدید ۲

مجموعه (۲۲)

از میان نامه ها

حرف های زحمتکشان رنج را که کشد و گنج را که برد؟!!

☆ هر هفته تعداد زیادی نامه از زحمتکشان میهنان به تحریریه کار می رسد. در این نامه ها کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار خلق از زندگی، آرمانها و خواسته هایشان و از عشق سرشارشان به انقلاب سخن می گویند.

ما قادر به چاپ تمامی این نامه ها نیستیم. اما سعی داریم هر هفته یک یا چند نامه و یا بخشهایی از حرف های این نامه ها را به چاپ برسانیم تا صفحات کار که تجلی گر خواسته ها و نظرات کارگران و زحمتکشان است، پربارتر شود.

ما دوستان و دشمنان خودمان را خوب می شناسیم. مگر در ایام انقلاب همین خان زاده ها و سرمایه دارها نبودند که در جاهای امن کمین می کردند و مشغول توطئه چینی می شدند مگر در همین زمان جنگ با رژیم مزدور صدام امریکائی هم همین ها خیلی زود با امکاناتی که در اختیارشان بود، رهای مرز نشین را خالی کردند و تنها ما پابرنده ها بودیم که ماندیم و مقاومت کردیم و زحمتکشان هستیم که بار انقلاب را به دوش می کشیم آیا تا بحال دیده یما شنیده اید که یک سرمایه دار، یا یک مالک، یا فرزند آن آنها در ایام انقلاب کشته شوند و یا به جبهه جنگ

یک نمونه از صدها بی توجهی به انقلاب و ثمره آن که متوجه ما دهقانان شده این است که از اجرای بند "ج" و طرح اصلاحات ارضی جلوگیری می کنند؟

بروند و با رژیم عراق بجنگند؟! آیا اگر زمین مال مالکین و زمینداران و کارخانه مال سرمایه داران باشد، آنها خودشان روی آن کار می کنند و آیا سرمایه ای که آنها از راه غارت دسترنج ما زحمتکشان به جیب می زنند در جهت اهداف انقلاب به کار می برند جواب این سؤالها "نه" می باشد. آنها این ثروت بادآورده، حاصل دسترنج ما دهقانان و زحمتکشان را در جهت اهداف پلیدشان که همانا شکست انقلاب و پیروزی اربابان امریکائیشان به کار می برند. ما دهقانان و زحمتکشان می گوئیم و می پرسیم:

رنج را که کشد و گنج را که برد؟!!

گروهی از روستائیان زحمتکش بیوه نیز - کردند ۴ بهمن ۵۹

جهاخوار، کرمان خم شده بود، فریادمان بلند شده از اینکه مگر انقلاب نشد که مستضعفین از زیر ظلم مستکبرین بیرون آیند؟ مگر رهبر انقلاب امام خمینی نگفت که انقلاب را مستضعفین بنیاد نهادند و آنها آن را

ای کسانی که مخالف اجرای طرح بند ج و اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب هستید! اندیشیده اید که چکار دارید می کنید؟ آیا به فکر عواقب خطرناک آن چیزهایی که انقلاب نوپای ما را تهدید می کند هستید؟ آیا فکر نگورده اید که با این مخالفتتان دارید آب به آسیاب ضدانقلاب می ریزید و پایگاه آنها را تقویت می کنید؟ شما چه فکر کرده اید؟ مگر نه اینکه سرمایه داران و زمینداران بزرگ با غارت دسترنج ما زحمتکشان، ضربات جبران ناپذیری بر پیکر انقلاب وارد می کنند؟!!

ما از مقامات مسئول می خواهیم که بیایید و به درد دل ما دهقانان و روستائیان بی زمین که در اثر فقر و تنگدستی مجبوریم روی زمین مالک خونخوار کار کنیم گوش فرا دهند. ممکن است مقامات مسئول در جوابمان بگویند ما فعلاً داریم با رژیم امریکائی صدام مزدور می جنگیم. این درست است اما فقط جنگ در جبهه نمی تواند تمام ابعاد جنگ را در بر گیرد و برای این گفته مان دلیل داریم مثلاً ما روستائیان، دهقانان زحمتکش ستمدیده که سالیان متمادی زیر ظلم و زور مالکین خونخوار نوک — اربابشان شاه جنایتکار غلام حلقه بدگوش امریکائی

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

بقیه از صفحه ۴

از یادداشت‌های فدائیان خلق

آفتاب خونین پیروزی...

برابرمان دیده می‌شود. عراقی‌ها در سنگرهای گروهی و انفرادی خود نشسته و بی‌خبر از همه‌جا گاه و بیگاه بدون هدف نشانه‌گیری می‌کردند. سربازهای گروهان ما سراسر سنگرهای دشمن را به محاصره درآوردند. اولین مأموریت با من بود باید خودم را به نزدیک‌ترین سنگر گروهی دشمن رسانده و تجاوزگران را در هم می‌کوبیدیم. تفنگم را به پشت انداخته نارنجکی به دست گرفته و سینه‌خیز جلو رفتم. حالا بیشتر از ده، دوازده متر با اولین سنگر گروهی فاصله نداشتم. در یک لحظه از جا بلند شده سریع ضامن را کشیده و نارنجک را درون سنگر دشمن انداخته و خود را با قدرت به سمت مخالف پرت کردم. صدای انفجار نارنجک گوئی تمام اطراف را به شدت تکان داد. حمله آغاز شده بود. سربازهای ما تانک‌ها و نفربرها را منفجر کرده و درست بالای سنگرها دشمن را زیر آتش گرفتند. با گشودن آتش بر روی دشمن توپخانه‌ها و خمپاره‌اندازهای خودی و دشمن به کار افتاد گلوله‌های توپ و خمپاره به پشت‌محل درگیری می‌افتاد از جا بلند شده، تفنگم را به دست گرفته و با خیزهای ۵ ثانیه خودم را به سنگری رساندم...

حالا دیگر هوا روشن شده و تعدادی از سنگرها به دست ما افتاده بود. سربازهای خودی در آنها موضع گرفته و به شدت مشغول تیراندازی بودند. تازه شروع به تیر-اندازی کرده بودم که از سنگر بغلی فریاد "سوختم، سوختم" بلند شد. با حمایت آتش سربازهای دیگر از سنگر بیرون آمده و با یک خیز خودم را به سنگر بغلی رساندم. یکی از سربازها از ناحیه سینه به شدت زخمی شده بود. با عجله قسمتی از پیراهنم را پاره کرده و روی زخمش را بسته و او را از سنگر بیرون کشیده و سینه خیز در حالیکه او را روی زمین می‌کشیدم، از صحنه خارج کرده و در پناه سنگ بزرگی گذاشتم. اما برای مداوایش جز مقداری پنبه و باند چیزی در اختیار نداشتم. با پنبه و باند شکاف سینه سرباز را

برایاد زدم: - سینه‌خیز برو، بنشین! سنگر بگیر! اما سرباز درحالیکه اسلحه‌اش را به دوش انداخته و نارنجک را در دست می‌فشرد، بدون توجه به حرفهای من چند قدم دیگر جلو رفته و در یک لحظه ضامن نارنجک را کشیده و آن را به سمت سنگری پرتاب کرد هنوز سرباز خودش را به زمین نیانداخته بود که عراقی‌ها از چند طرف او را زیر آتش گرفتند. سرباز با پیکری غرقه در خون در چندمتری من بر روی زمین افتاد.

سربازهای خودی از دیدن این صحنه به هیجان آمده بودند. تعداد زیادی از آنها از سنگرها بیرون آمده و فریاد کشان در حالیکه تفنگهایشان را روی رگبار گذاشته بودند، به عراقی‌های تجاوزگر حمله بردند. در این فاصله از پشت سنگ بیرون آمده و خود را به سرباز زخمی رسانده و کنار او روی زمین دراز کشیدم. سربازها تعدادی از عراقی‌ها را در سنگرهای خودشان به گور سپرده و جای آنها را تصرف کردند. دشمن متوجه سربازهای دیگر بود که سرباز زخمی را روی سینه گرفته و از جا بلند کردم. هنوز یک قدم برنداشته بودم که صدای رگبارهای دشمن بلند شد. دیگر چیزی نفهمیدم. همینطور که سرباز زخمی را روی سینه داشتم، از پا

شهادت...

بقیه از صفحه ۱۸

تهران منتقل کردند و در آنجا جمجمه رفیق مورد عمل جراحی قرار گرفت. بعد از مدتی رفیق به بیمارستان نمازی شیراز منتقل شد و دومین عمل جراحی روی جمجمه او انجام گرفت ولی حال او روز به روز رو به وخامت می‌رفت و مجدداً او را به تهران منتقل کرده و در بیمارستان سجاد تهران بستری گردید و سرانجام در صبح روز ۲۰ دی ماه پس از ۸۶ روز تحمل درد و رنج فراوان و به علت اشتباهات و سهل‌انگاری که در معالجه وی به عمل آمد، به شهادت رسید. او در بیمارستان دائماً از بازگشت به جبهه صحبت می‌کرد و آرزو داشت هرچه

زودتر سلامتی خود را باز یافته و به میان رزمندگان خلق بازگردد. او درحالیکه بر تخت بیمارستان از درد به خود می‌پیچید، با خود این شعر را زمزمه می‌کرد: آدمی با سرافراشته باید بزیاد و سرافراشته باید میر و به دشمن سرتسلیم نیارد و نهد در ره آزادی خلق

همه هستی خویش آری، با شهادت رفیق منصور دهقانی جان عزیز و ارزنده دیگری نثار استقلال میهن و رهائی کارگران و زحمتکشان گردید. جنازه رفیق طی مراسم باشکوهی در قطعه شهدای گورستان عمومی کازرون به خاک سپرده شد.

در این مراسم تنگ نظران و انحصارطلبان که حتی شهادت در راه دفاع از استقلال میهن را درانحصار خود می‌دانند، کوشیدند تا آرمان‌های رفیق را نادیده بیانگارند و بر آن سربوش بگذارند اما باید بدانند که خلق قهرمان ما هرگز فرزندان را چون منصور دهقانی و دیگر شهدا را فراموش نخواهد کرد و نام آنان همیشه در پیشگاه تاریخ جاودان است. ما ضمن گرامی‌داشت خاطر رفیق منصور و تمامی شهدای بخون خفته خلق، درودهای رفیقانه خود را به خانواده و وابستگان رفیق منصور دهقانی تقدیم می‌کنیم.

★ فدائی خلق رفیق شهید علیرضا خلیلی

رفیق شهید علیرضا خلیلی در سال ۱۳۳۹ در شهرستان قم به دنیا آمد. وی چهارمین فرزند یک خانواده زحمتکش هفت نفره بود. بعد از قیام خونبار پانزدهم خرداد ۴۲، علیرضا به همراه سایر اعضای خانواده‌اش به قزوین آمد. زیرا پدرش به دلیل همکاری با روحانیت مبارز از قم به قزوین تبعید شده بود. علیرضا وقتی تازه می‌توانست بر روی پاهای کوچکش به راحتی بایستد، چشمش بر خون مردمی افتاد که به خاطر کسب استقلال و آزادی بر کف خیابان‌ها و کوچه‌ها ریخته شد. و از همین‌جا بود که نطفه‌های عشق به رهایی مردم و خشم نسبت به امپریالیسم جهان‌خوار و جیره‌خواران خون‌آشامشان در وجودش بسته شد. زندگی خانوادگی رفیق همچون سایر زحمتکشان سرشار از ناکامی و محرومیت بود تا جایی که به خاطر تأمین مخارج تحصیل خودش ناچار بود سالی چند ماه تن

به کارهای طاقت‌فرسا دهد و این بار چشمش بر واقعیاتی تلخ گشوده شد و دید که چگونه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ دسترنج کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان را غارت می‌کنند و عشق و خشمش جلای تازه‌ای یافت. با شروع و اوج‌گیری مبارزات مردم میهنمان در سال ۵۶، علیرضا با اراده‌ای استوار و خلل‌ناپذیر، به میدان مبارزه در راه سرنگونی رژیم منفور شاه و استقرار نظامی به‌دور از غارت و استثمار زحمتکشان پای نهاد. بعد از پیروزی انقلاب به سازمان پیوست تا در سنگر نبرد علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، سرمایه‌داران و زمینداران غارتگر، به ایثار پردازد. و همدوش هزاران فدایی خلق در صف پر خروش خلق در راه تحقق آرمان‌های والای کارگران و زحمتکشان دین انقلابی خود را به‌انجام رساند.

با پیش آمدن جنگ تجاوزکارانه رژیم مرتجع عراق، رفیق که سرباز وظیفه بود، با عزمی پولادین به جبهه‌های جنگ شتافت و بعد از مدت‌ها مبارزه بی‌امان سرانجام در روز ۱۸ دی‌ماه ۵۹ هدف گلوله مسلسل‌های سنگین هواپیماهای دشمن قرار گرفت و به کپکشان عظیم و پرستاره شهدای خلق پیوست. یکی از هم‌زمان رفیق تعریف می‌کرد: "روزی که رفیق علیرضا دستش بر اثر اصابت ترکش خمپاره زخمی شده بود، لبخند بر لب می‌گفت: اینک چیزی نیست. ما باید تا پای جان در مقابل آمریکا و ارتش متجاوز عراق بایستیم." ما ضمن بزرگداشت خاطره جانبازی‌های رفیق شهید علیرضا خلیلی و سایر شهدای خلق به‌خانواده و بستگان رفیق علیرضا درود و تسلیت می‌فرستیم.

درآمده و با سر به زمین افتادم خونی گرم از سمت راست سینه‌ام بیرون می‌زد و تنم را خیس می‌کرد. دستهایم هیچ حس نداشتند. فقط انگار صدای رگبار گلوله بود که دنیا را از جا برداشته بود. سرباز زخمی روی پایم

افتاده بود اما سنگینی‌اش را هیچ احساس نمی‌کردم. سرم گیج می‌رفت. انگار چند نفر آمدند زیر بقلم را گرفتند و با خود بردند. دیگر صداها را درست تشخیص نمی‌دادم اما صدای بی‌سیم‌چی همراه صدای شلیک گلوله‌ها توی

سرم می‌پیچید که باز هم فریاد می‌زد: - کمک کنید! پس چرا آهولانس نمی‌فرستید؟! کمک... آهولانس...

یادداشت یک فدائی از بیمارستان بهمن ماه ۵۹

مردم ایران به حمایت...

بقیه از صفحه ۱۲

داریم، نه زمین داریم، هیچ چیز نداریم. آنوقت دولت از خانهای افغانی و طرفداران آنها حمایت می‌کند و کلی پول خرج آنها می‌کند. زمینهای ما هنوز دست خوانین و مالکین بزرگ است. در ده قاسم‌آباد مردم هنوز هم از ترس، دو قسمت محصول را به نماینده خزیمه علم می‌دهند. بهترین زمین‌های ما را زمان شاه از ما گرفتند و ما را اجاره نشین کردند. ما هنوز هم روی زمین خودمان مستاجریم!

البته همه افغان‌ها را نباید به یک چشم نگاه کرد. اکثر آنها زحمتکش بوده و به علت ناامنی منطقه و جنگ تحمیلی خوانین و فئودال‌ها مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند. محمد سالاری یکی از افغان‌های زحمتکش ساکن دهکده کدخداعلی می‌گوید:

"ما در افغانستان هم دهقان بوده و اینجا هم دهقان هستیم. برای ما ایران و افغان ندارد. اصل این است که خانها بگذارند ما با خیال راحت زندگی کنیم." ما همچنانکه بارها گفته‌ایم، مردم و رژیم‌های ایران و افغانستان در مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های ما و افغانستان دارای منافع مشترک بوده و متحد و متفق یکدیگرند. حمایت دولت جمهوری اسلامی ایران از فئودال‌ها، خوانین و روحانیون مرتجع که علیه دولت انقلابی و ترقیخواه افغانستان به توطئه و خرابکاری مشغولند، علیرغم اعتراض مردم و نیروهای انقلابی و ترقیخواه ایران و جهان همچنان ادامه دارد. این حمایت برای مردم و انقلاب ایران تاکنون به بهای گرانی تمام شده است. ما در کار ۹۵ مورخ ۸ بهمن ۱۳۵۹ به دولت جمهوری اسلامی ایران متذکر شدیم که از دست دادن زمان برای تصحیح سیاست بغایت ارتجاعی که نسبت به انقلاب و مردم و رژیم افغانستان در پیش گرفته است خطر بزرگی برای انقلاب مردم ماست. سازمان ما به جهت مسئولیتی که در قبال انقلاب مردم میهنمان و خلق‌های منطقه دارد بار دیگر از دولت

چرا می‌گوئیم لایحه بازسازی...

بقیه از صفحه ۵

مستوجب عقوبت نداند) باز هم به نفع آنان خواهد بود چرا که از این راه توانستند مهره‌ها و نیروهای خود را در ارگان‌های دولتی برای "روز مبادا" ذخیره کنند. آنچه تاکنون گفته شد برخی از نقاط ضعف لایحه است موارد ضعف دیگر نیز از لحاظ اجتماعی و حقوقی در لایحه موجود است که ما به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم بطور مثال در ماده ۱۰ ذکر شده است که:

"بکار بردن قلم و بیان و هر گونه تبلیغ به منظور تضعیف جمهوری اسلامی مستوجب مجازات‌هایی از قبیل اخراج، بازنشستگی و اقاله می‌باشد." لیکن معلوم نشده که چه نوشته و بیانی از نظر نویسندگان لایحه تضعیف جمهوری اسلامی تلقی می‌شود و چه مطالبی موجب تقویت آن می‌گردد. از دیگر موارد ضعف لایحه می‌توان از مواد ۱۰ و ۱۲ نام برد.

مطابق ماده ۱۲ - هیات‌های بدوی و تجدیدنظر و شعب آنها پس از تشکیل می‌توانند یک یا چند گروه را به عنوان گروه‌های بررسی و تحقیق تعیین نمایند " ذکر کلمه "می‌توانند" این معنی را به ذهن القاء می‌کند که هیات‌های بدوی در صورت تمایل می‌توانند از خیر گروه‌های بررسی و تحقیق بگذرند و "در صورت لزوم" خود راسا اقدام به صدور حکم کنند، مشابه همین اشکال در تبصره ماده ۱۰ وجود دارد و کلمه "حتی - الامکان" در این تبصره همان نقش کلمه "می‌توانند" ماده ۱۲ را بازی می‌کند.

لایحه نکات مثبت و منفی دیگری نیز دارد که از جمله نکات مثبت آن ماده ۴۰ لایحه است که به موجب آن هیات‌های بدوی و تجدیدنظر موظفند مدافعات کتبی و یا شفاهی متهم را مورد توجه قرار دهند این بند هرگاه بطور جدی مورد توجه قرار گیرد می‌تواند از ضایع شدن حقوق بخشی از کارمندان و معلمین که به ناحق مورد تصفیه قرار گرفته‌اند جلوگیری کند، اما لازم است همین جا بگوییم درباره موادی که بر تفتیش عقاید تأکید دارند بر این مبنا که هیچ کس را به صرف داشتن عقیده نمی‌توان مواخذه کرد " نفی قانون اساسی است، محاکمه که دیگر جای خود دارد.

از دیگر نکات مثبت لایحه بندهایی از ماده ۱۰ است که بر حسن شهرت و دقت و انصاف اعضای هیات‌های پاکسازی تأکید دارد. به نظر ما درست‌تر آن است که این بندها طوری تنظیم شود که مورد اعتماد و تأیید هیات‌های پاکسازی توسط قاطبه معلمین هر شهرستان و بخش در آن درج گردد. که در این صورت می‌توان از سوء تفاهات و فرض‌ورزی‌های احتمالی جلوگیری کرد.

از دیگر نکات مثبت ماده ۱۰ می‌باشد که طبق آن اعضای تشکیلات فراماسونری و سازمان‌های مشابه را مستوجب انفصال دائم از خدمت می‌شناسد

بحث و بررسی مفصل لایحه پاکسازی محتاج بررسی جامع‌تری است اما در هر حال نقاط ضعف لایحه و شیوهای که تاکنون عطفی شده

و بخصوص بخش عمده معلمین پاکسازی شده نشان دهنده این واقعیت است که جهت‌گیری اصلی این لایحه نشان می‌دهد که عمدتاً لیبرال‌ها و پادوهای مدال گرفته و نشان‌دار حزب رستاخیز را هدف قرار نداده است ضمناً ما در مورد قانونیت بخشیدن به تفتیش عقاید هشدار می‌دهیم و خاطر نشان می‌کنیم که این عمل ناقض قانون اساسی و ضدیت با مصالح مردم و انقلاب است و قطعاً با مخالفت معلمان و دانش‌آموزان با مخالفت همه مردم آگاه روبرو خواهد شد. وقتی رژیم نظامی و سرسپرده ترکیه حکم اخراج و دستگیری ۵۰۰ تن از معلمان مبارز ترکیه را به خاطر توصیه کتاب‌های مذهب‌پرستی به دانش‌آموزان، صادر می‌کند هیچ جای تعجبی نیست به همان ترتیب جای تعجب نبود وقتی رژیم منفور پهلوی دسته دسته معلمین مبارز را به خاطر داشتن عقایدی که مبارزه با هر نوع وابستگی به امپریالیسم را وجهه‌همت خود قرار داده بود، اخراج و بازداشت می‌کرد.

اما جای تأسف اینجاست که دولت جمهوری اسلامی ایران که از پس خون هزاران شهید بخون خفته خلق بر سر کار آمده است و بورد تأیید اکثریت مردم نیز می‌باشد بر تفتیش عقاید مهر تأیید گذارد و مصالح انقلاب و مبارزه با امپریالیسم را با اینگونه تنگ‌نظری‌ها به کوره راه‌ها و کجراه کشاند. مردم مبارز ایران انتظار دارند که مجلس جمهوری اسلامی بر رویاهای لیبرال‌ها و کج - اندیشان مهر باطل بکوبد و تفتیش عقاید را به هیچ وجه مجاز نشمارد و از این طریق گامی دیگر در جهت تقویت انقلاب به پیش بردارد.

توضیح و تصحیح

در کار ۹۷ در صفحه مربوط به لیست شهدای سازمان اشتباهاتی بوده است که به شرح زیر تصحیح می‌شود:

- ۱- اسامی کمال محمدی و طوبی مولودی و فرزاد دادگر مربوط به شماره‌های ۲۸۰ و ۲۸۳ و ۱۳۴ که بخاطر بازداشت مدتی مفقودالثر بودند، اشتباهات بنام شهدا ذکر شده‌اند.
- ۲- مبارز شهید شاپور تقریبی (شماره ۲۸۸) فاقد ارتباط تشکیلاتی با سازمان ما بوده است.
- ۳- مبارز شهید ابوبکر حمیدی نه با تشکیلات سازمان ما و نه با هیچ تشکیلات سیاسی دیگری رابطه تشکیلاتی نداشته است.

در مقاله منشور جبهه میهنی کار ۹۶ انقلاب ۱۹۵۸ اشتباهات ۱۹۶۸ ذکر شده است که بدینوسیله تصحیح می‌گردد.

در کار ۹۵ در ستون "از میان اعلامیه‌ها و..." اشتباهات نام مجید جزایری همراه با شهدای حوادث اخیر خرم‌آباد ذکر شد. ما ضمن پوزش یادآور می‌شویم که نامبرده از افرادی بوده که در جنایات این شهرستان دخالت داشته است.

افزایش سرسام آور قیمت ها را مهار کنید!

ایام نوروز و افزایش تقاضای مردم و خصوصاً با فرا رسیدن به اصطلاح سیاه‌بهار، اگر چنانچه همین روال غیر همه‌جانبه و ناپیگیر سیاست‌های مبارزه با گرانی و کمبود مایحتاج عمومی ادامه یابد، نه تنها عاملین اصلی ترقی قیمت‌ها و نایابی‌ها به حیات انگلی خود ادامه خواهند داد، بلکه بر شدت غارت و ثروت‌اندوزی خود خواهند افزود.

بنابراین برای پایان دادن به نابسامانی‌های کنونی در زمینه کمبود کالاها و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها که یکی از معضلات کنونی انقلاب ما را تشکیل می‌دهد، اجرای کامل طرح جیره‌بندی در مورد

کالاها و اساسی و ارزاق عمومی برای توزیع عادلانه و با قیمت رسمی آنها از جمله موارد ضروری است که هر چه زودتر باید عملی گردد. همچنین باید با ملی کردن کامل تجارت خارجی که دو سال از تصویب آن در قانون اساسی می‌گذرد - ایجاد مراکز دولتی توزیع عمده کالاها، گسترش تعاونی‌ها در شهر و روستا و نیز با کمک شوراهای محلی و کسبه معتمد محل دست تجارت و محتکرین و واسطه‌ها را کوتاه کرده، به سودجویی آنان خاتمه داد، با اجرای چنین مواردی برای پایان دادن به مشکل گرانی و کمبود می‌توان حمایت هر چه فعال‌تر میلیون‌ها زحمتکش شهر و روستا را نسبت به انقلاب جلب نمود.

تخم مرغ، پنیر، چای و... را نیز می‌توان برشمرد ضمن آنکه اغلب این کالاها کمیاب بوده و باید در صف‌های طولانی آنها را به دست آورد.

علت چیست و چه باید کرد؟
هرچه از جنگ تحمیلی می‌گذرد، بر میزان قیمت‌ها با شتاب نگران کننده‌ای توسط تجار سرمایه‌دار افزوده می‌گردد. در حالی که دولت تاکنون در اثر بی‌برنامگی و ناپیگیری خود نتوانسته است اقدامات اساسی در زمینه کنترل نسبی قیمت‌ها و توزیع عادلانه کالاها به عمل آورده و به سودجویی‌های سرمایه‌داران و تاجر بزرگ که در گرانی و کمبود کالاها نقش اساسی دارند، خاتمه دهد، طرح جیره‌بندی نیز از آنجا که تنها معدودی از کالاها را در بر گرفته و علیرغم خواست کلیه زحمتکشان در همان مرحله اول خود متوقف مانده است، نتوانسته در عرضه عادلانه ارزاق عمومی و کالاها و اساسی، بطور کلی موثر واقع شود، بدین ترتیب سرمایه‌داران تاجر که واردات و توزیع عمده اغلب کالاها را در اختیار دارند، توانسته‌اند با استفاده از این موقعیت و با احتکار و دیررسانی کالاها به بازار، روز به روز بر شدت گرانی بیفزایند همچنین با دست به دست شدن غیر ضرور کالاها توسط سرمایه‌داران و واسطه‌ها، قیمت اجناس هنگامی که به دست مصرف کننده می‌رسد، گاه تا چند برابر افزایش می‌یابد. در حال حاضر با نزدیک شدن

● طرح کامل جیره‌بندی در مورد کالاها و اساسی و ارزاق عمومی هر چه فوری‌تر باید عملی گردد.

بررسی کوتاه قیمت‌ها نشان می‌دهد که بهای ارزاق عمومی در مقایسه با سال گذشته به بیش از دو برابر رسیده و تنها در این چند ماه که از جنگ تحمیلی می‌گذرد، تا پیش از ۵۵ درصد افزایش یافته است. برنج ایرانی که سال پیش کیلویی تا ۹۰ ریال بود و در تابستان گذشته تا ۱۶۰ ریال به فروش می‌رسید، اکنون به کیلویی ۲۰۰ تا ۲۷۰ ریال رسیده است مرغ (کشتار ایرانی) از کیلویی

گرانی و کمبود کالاها همچنان بیداد میکند. قیمت‌ها بطور سرسام‌آوری افزایش یافته و هر روز بر شدت آن افزوده می‌گردد افزایش روزافزون قیمت‌ها به حدی است که میلیون‌ها زحمتکش میهنمان را حتی در تهیه ساده‌ترین غذاها با مشکلات بسیاری روبرو کرده و آنها را از دسترسی به بسیاری از کالاهای مورد نیاز زندگی محروم ساخته است. فشار ناشی از گرانی و کمبود کالاها بر زندگی زحمتکشان به‌ویژه با آغاز جنگ تحمیلی و با توجه به آوارگی و بی‌خانمانی صدها هزار مردم رنج‌دیده مناطق جنگ‌زده، کاهش درآمد‌های زحمتکشان در این مدت و نیز بیکاری عظیم موجود در جامعه، ابعاد فاجعه‌آمیزی به خود گرفته است. این در حالی است که سرمایه‌داران و تاجر بزرگ از نابسامانی‌های ناشی از جنگ حداکثر بهره را برده و به حساب خانه‌خوابی میلیون‌ها زحمتکش میهنمان، سودهای کلانی به جیب زده‌اند. مقایسه نرخ‌های پیش از جنگ با نرخ‌های کنونی ارزاق و کالاها و ضروری به غیر از کالاها و جیره‌بندی شده، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه سرمایه‌داران بزرگ هیچ فرصتی را از دست نداده و با دامن زدن به کمبود کالاها و یا بالا بردن قیمت‌ها، زحمتکشان و قشرهای کم‌درآمد جامعه را زیر ضرب سودجویی‌ها قرار داده‌اند.

نوع کالا	نرخ سال پیش (ریال)	نرخ پیش از جنگ (ریال)	نرخ روز (ریال)
برنج ایرانی	۹۰ (تا)	۱۶۰ (تا)	۲۰۰ تا ۲۲۰
تخم مرغ	۱۱۵	۱۵۰	-
مرغ (کشتار ایرانی)	۱۴۰	۲۱۰	۳۰۰ تا ۳۲۵
گوشت گوسفند دولتی	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰
پنیر تبریزی	۱۸۰	۲۵۰	۳۰۰ تا ۳۲۰
کره (قالب ۱۰۰ گرمی)	۲۲	۲۵	۳۰
شیر (پاستوریزه بزرگ)	۲۸	۳۳	۳۵
ماست (شیشه‌ای)	۱۰	۱۵	۲۰
عدس	۸۰	۱۴۰	۲۲۰
لپه	۷۰	۸۰	۱۱۰
نخود	۷۰	۷۵	۸۵
لوبیا چیتی	۱۱۰	۱۴۰	۱۷۰
سبزی آش	۱۵	۴۰	۵۰
رشته (بسته یک کیلویی)	-	۵۵	۸۰

بقیه از صفحه ۱۳

هیئت نمایندگی ایران در...

ایران را مخدوش سازد. ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که چنین سیاست‌هایی می‌باید مورد تجدید نظر جدی قرار گیرد. بی‌شک دشمنی با انقلاب افغانستان حمایت از جبهه ضدانقلاب در افغانستان و دشمنی با دولت‌های سوسیالیست جهان مورد تأیید مردم ایران نبوده

آوازی با نمایندگان دولت‌های دست‌نشانده امپریالیسم بود. براین زمین جمهوری اسلامی بار دیگر نشان داد که درک و شناخت درستی از دوستان و دشمنان انقلاب ایران در عرصه جهانی ندارد و همچنین اصرار دارد که مرز دوستان و دشمنان انقلاب

یکبار دیگر ضرورت داشتن یک سیاست خارجی ترقیخواهانه و فعال را به اثبات می‌رساند و بازگو کننده‌ی این حقیقت بود که انقلاب ایران در سراسر جهان متحدان و پشتیبانانی دارد که در صورت اتخاذ یک سیاست اصولی می‌توان از همکاری متقابل و کمک‌های برادرانه آنها در جهت تعمیق انقلاب و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی بیشترین نصیب را برد.

در این زمینه برخوردار نبوده است. کنفرانس در علین حال ضمن تاکید بر لزوم حل و فصل دعاوی بین دول از طریق صلح‌آمیز از وزرای خارجه کوبا، هند، زامبیا و رئیس دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین درخواست کرد کلیه مساعی خود را جهت پایان دادن به جنگ و اجرای مصوبه کنفرانس به عمل آورند. علاوه بر آنچه که گفتیم، شرکت هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس غیرمتعهدها،

و با اعتراض نیروهای ترقیخواه و انقلابی روبروست در پایان باید متذکر شد که موضع هیئت نمایندگی ایران در دفاع از خلق قهرمان فلسطین و توضیح مواضع مردم و دولت ایران در برابر تجاوز رژیم جنایتکار صدام اثرات مثبتی بر جای نهاد و قطعنامه کنفرانس یا توجه به واقعیات مربوط به جنگ تحمیلی عراق، موضعی مثبتی در جهت محکوم شناختن تجاوز رژیم صدام به میهن ما اتخاذ کرد گرچه قطعنامه از صراحت لازم



به مناسبت ۲۹ بهمن سومین سالگرد قیام تبریز

گرامی باد خاطره جانبازی دلاوران زحمتکشان تبریز

۲۹ بهمن سومین سالگرد قیام مردم زحمتکش تبریز علیه رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم می باشد. تظاهرات مردم تبریز که به مناسبت چهلم شهدای قم برپا شده بود، با یورش وحشیانه و سبعانه فرماندهان امریکائی ارتش مزدور شاه روبرو شد. این تظاهرات به سرعت دامنه وسیع و انفجار گونه ای یافت و به قیامی خونین تبدیل گشت. کارگران، دهقانان، دانشجویان و دانش آموزان، کسبه و پیشهوران و روحانیون مبارز تبریز با از جان گذشتگی

و قهرمانی های بسیار و با شعار "مرگ بر شاه جلاد" هر آنچه را که آشکارا نشانی از رژیم دیکتاتوری شاه و امپریالیسم داشت، مورد تعرض قرار دادند. قیام تبریز در گسترش امواج انقلابی درس تا سر میهن ما نقش برجسته ای داشت. پس از ۱۴ سال این بزرگترین تعرض مردم علیه دستگاه استبداد دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم بود و بطور جدی رژیم وابسته شاه را مورد تهدید قرار داده و شکاف بزرگی در پایه های یوسیده آن ایجاد کرد. این

قیام خصیصی عمیقاً توده ای داشت و محروم ترین مردم جامعه ما یعنی کارگران و زحمتکشان را مستقیماً در مقابل رژیم امریکائی شاه قرار داد. حضور فعال زحمتکشان تبریز در میدان مبارزه، پایه گوئی ها و تبلیغات عوام فریبانه دستگاه های تبلیغاتی رژیم شاه مبنی بر "تمدن بزرگ" رفاه زحمتکشان" افسانه "انقلاب شاه و ملت" و غیره را به باد داد و آشکارا ثابت کرد که بیشترین بار فشار فقر و فلاکت بر دوش

در صفحه ۲

افزایش سرسام آور قیمت ها را مهار کنید!

● با ملی کردن کامل تجارت خارجی، با جیره بندی کردن کالاهای اساسی و ارزاق عمومی با ایجاد مراکز دولتی توزیع عمده کالاها و گسترش تعاونی ها در شهر و روستا و نیز با کمک شوراهای محلی و کسبه معتمد محل دست تجار بزرگ و محترمان و واسطه ها را کوتاه کنید و نگذارید بیش از این میلیون ها زحمتکش زیر فشار افزایش سرسام آور قیمت ها به فقر و سیه روی در غلظند.

در صفحه ۲۳

از یادداشت های فدائیان خلق در سنگرهای مقاومت:

آفتاب خونین پیروزی در حال دمیدن است

در صفحه ۴

اسامی شهدای سازمان را برای کار ارسال دارید

در لوحه تنظیمی اسامی شهدا در کار شماره ۹۷ ویژه انقلاب و حماسه سیاهکل متأسفانه با همد تلاشی که صورت گرفته بود تا این لیست کامل باشد، اسامی تعدادی از رفقای شهید از قلم افتاد. ما از کلیه کادرها، اعضا، هواداران و خانواده شهدای سازمان می خواهیم که مشخصات و زندگی نامه شهدایی را که اسامی آنها در لوحه یادبود نیامده است، همراه با یک قطعه عکس شهید برای نشریه کار ارسال دارند. بدیهی است لیست تنظیمی در نشریه کار انتشار خواهد یافت.

سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پر افتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای صرخه مقاومت، در عرضای از پیگار تاریخساز خلق بزرگ ما، هر روز جان های عزیز را در راه انقلاب نثار می کنند. خون پاک رفقا، دشت ها و دره های میهن را گلگون می سازد و بخارت می زند. لاله زاران مرخی را که ایران مستقل، آباد و دموکراتیک فردای پیروزی زحمتکشان بر آن بنا می شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای بیکار با تجاوزگران

- اکبر بدلی
- اکبر فخور
- امیر آقایی
- علی مصاف
- جواد تمجی
- البرزیوسفی
- مریم رئیسی
- رحیم مقلبی
- سعید کوشش
- بهرام ورامینی
- محمود آخو
- خسرو کریمی
- حسین شریعتی
- عبدالله مرادی
- محمد سازدار
- تقی اسکویی
- حسین صالحی
- غلام عباس بخرد
- عنایت الله رئیسی
- محمد رضا آذربان
- سپهلاستان زاده
- حسین الله فرحبخش
- ابراهیم شکرچی
- عبدالحسن ساه مر
- محمود اسرف آبادی
- فریدون مرضی زاده
- محمد سلیم فلاح بکی
- محمد مهدی بن آدم
- محمد اسدالله ترند رودینه
- محمد حسن صدر آبادی
- رحیم الله (امیر) انصاری بپور
- نوری نیساگان
- سعید (عباس) آقا پور
- علیرضا خلیلی
- کاظم عبدی
- علیرضا کاظمی
- علی حاتم زاده
- ابرج حسین نیا
- لطیف علیرزاده
- پرویز کریمیان
- اسحاق بابا زاده
- مرضی دارایی
- زهره عوسوبون
- وحید نیکه پیر
- شیریار باقرزاده
- نورش پاک بی
- حمید ولادوست
- غلامرضا سفر نژاد
- محمد رضا جعفری
- منصور دهقان

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

آقای رئیس جمهور آیا هنوز هم اعتقاد دارید امپریالیسم فرانسه پشتیبان استقلال ایران است

● امپریالیسم کلا دشمن خونخوار بشریت است و امپریالیسم آمریکا بویژه، خونخوارترین دشمن بشریت است. امپریالیست ها همه تجاوزکارند، امپریالیسم آمریکا از همه متجاوزتر! امپریالیست ها همه دشمن زحمتکشانند، امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی زحمتکشان است و... درست در همین نقطه بسیار کسان برخی ناآگاه و بسیاری دانسته غارتگرترین متجاوزترین و ماجراجوترین امپریالیسم جهان یعنی امپریالیسم آمریکا را بهانه و برهان خوی مسالمت، عطوفت و رحم امپریالیستی نظیر امپریالیسم فرانسه قرار می دهند.

در صفحه ۱۴

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر